

که ماده ۲۴ رابته ترتیبی که قرائت شد تصویب میکنند قیام نمایند (بعضی قیام کردند)

**رئیس** - در شصت و هفتم خوانده میشود (بیمارت ذیل خوانده شد)

ماده ۲۵ - در صورت مداخله یکی از شرکاء غیر مسئول در امور شرکت اگر ضرری وارد آید خسارت وارده را باید عهده نمایند

**آقا محمد بروجردی** - بنده اینجانب را نمی فهمم هیچ نمیتوانم تصویب کنم چون در احکام وضعی سبب اسباب ضمان نمیشود مگر در موارد خیلی کم باینطور که یکی از شرکاء غیر مسئول طوری مداخله کرد یعنی یک معامله کرد یا صحبتی کرد یا بعضی تصرفاتی کرد و طوری شده که اسباب ضرر شرکت شد نمیتوان گفت اوضاع این است و اسباب ضمان او نمیشود و باید از عهده برآید و جریان چنین ضرری را شارع معین کرده است مثلاً مالی است شرکت فروخته است اگر سایر شرکاء اجازه داده اند صحیح است اگر بامضای آنها نباشد باطل است پس اینجاکه بطور اطلاق میگوید اگر ضرری وارد آمد باید از عهده برآید این صحیح نیست بله شرکاء غیر مسئول اگر خودش بخودی خود تصرف شخصی بکند مثلاً خودش بر دارد بفروشد و ضرری وارد بیاید و او اینکه باز هم موکل با اجازه و تصویب شرکاء است و اگر ضرری وارد بیاید او را نمیتوانیم بگوئیم که مسئول نیست و برعهده او نیست ولیکن اینطوریکه اینجا مطلق نوشته است نمیتوانم تصویب بکنم مگر اینکه مخیر یک صورت صحیحی برایش پیدا بکنند و اگر صورت صحیحی هم بیآن دادند این عبارت آخر صحیح نیست که عهده نماید عوض این نوشته شود باید بشرکت رد نماید

**افتخار الواعظین** - بنده خیلی تعجب میکنم از آقای آقا محمد یکی از اصحابی که اصل لاضرر و لاضرر است اگر کسی آمد بدون اجازه بنده خانه مرا فروخت اگر ضرری وارد آمد نباید از عهده برآید وقتی که ما میگوئیم بدون اجازه شرکاء مسئول حق مداخله ندارد و خودش رفت در مال آنها یک تصرفی کرد مال مردم را فروخت خسارتی وارد شد آن خسارت را نباید عهده کند گویا اصل لاضرر و لاضرر ازین ترفته باشد

**لواء الدوله** - اینجا میگوید در صورت مدافعه در صورتیکه در ماده قبل میگوید بدون اجازه شرکت حق ندارد دخیل در امور شرکت بشود وقتی که سایر شرکاء اجازه دادند اگر ضرری وارد شد برعهده شرکت است اگر بدون اجازه شرکاء مسئول اینکار را کرده است حق نداشته و مسلماً دزدی کرده است و باید ضرر بدهد و این ماده بنظر بنده اصلاً زبانی است بجهت اینکه بدون اجازه در ماده قبل نوشته شد که بهیچوجه حق مداخله ندارد

**مهین الرعایا** - بنده تصور میکنم که این ماده خیلی صحیح است بواسطه اینکه یک شریک غیرمسئول که از هزار سهم یک سهم دارائی دارد می رود بدون اجازه شرکاء مسئول تصرف تمام شرکت می کند و یک معامله میکند این تصرف در همان غیر است و یک ضرری هم وارد شرکت می کند البته ضرری که وارد کرده است باید از عهده برآید بجهت اینکه حق تصرف در مال غیر نداشته است

**ارباب کیخسرو** - بنده اصلاً مذاکره در این ماده و انا ماده قبل میگذرد بیفائده میدانم بجهت اینکه این ذیل آن ماده است چون احتمال می رود که آن ماده تغییر بکند این هم باید بماند تا آن ماده بگذرد

**رئیس** - يك تقاضای هم در این باب شده است خوانده میشود (باین ترتیب خوانده شد)

از طرف آقا میرزا ابراهیم خان - این بنده تقاضا می کنم ماده ۲۴ و ۲۵ که مربوط بیک دیگر است برگردد بکمیسیون که پس از اصلاح پیشنهاد نمایند

**رئیس** - از طرف آقای اردبیلی هم همین تقاضا شده است آقای مخیر چه میفرمائید

**افتخار الواعظین** - بنده قبول میکنم برگردد بیکمسیون

**رئیس** - اگر مخالفی نباشد بقیه قرائت شرکتها بماند برای جلسه بعد (اظهار مخالفتی نشد)

**رئیس** - راپورت کمیسیون بودجه راجع باناشه سفارت لندن قرائت میشود (بیمارت ذیل خوانده شد)

لابعه وزارت خارجه در خصوص غلامعلی خان اتاشه سفارت لندن در کمیسیون بودجه مطرح گردید وزارت خارجه شرحی اظهار داشته بودند که غلامعلی خان در مدرسه علوم سیاسی یاریس تحصیل کرده دارای دیپلم است در دهم جیبی الاولی ۱۳۲۸ از طرف وزارت خارجه بسمت اتاشه گئی سفارت لندن مامور شده بدون اینکه حقوقی بمشارالیه داده شود حاج فتح الملک ابوی ممزی الیه بواسطه صدماتیکه در این مدت در خصوص وقایع اخیر کردستان بمشارالیه وارد شده استطاعت فرستادن مخارج بلندن برای پرسر خود ندارد و وزارت خارجه پیشنهاد نموده بودند از تاریخ ماموریت غلامعلی خان برقرار شود پس از مذاکرات لازمه کمیسیون بودجه تصویب مینماید از تاریخ تصویب مجلس ماهی پنجاه تومان دربارته مشارالیه برقرار شود

ماده - مبلغ پنجاه تومان از تاریخ تصویب مجلس دربارته غلامعلی خان اتاشه سفارت لندن برقرار میشود

**حاج شیخعلی خراسانی** - بعضی اوابخ از وزراء پیشنهاد میشود که خیلی جای تعجب است مثلاً سه سالست که ما سفارت در لندن نداریم یا دو سال است در بطرز بورخ مأموریتی که عالی تر از این هستند نداریم آنوقت اتاشه که معینش را بنده نمی دانستم و سؤال کردم برای بنده ترجمه کردند به شاگرد نظامی سفارت که باید مجانی خدمت نماید و افتخاری خدمت بکنند که او را داخل وزارت خارجه کرده اند بجهت یک چنین آدمی بودجه فوری بمجلس می آید و بودجه وزارت خارجه هیچ بمجلس نیاید که ما بدانیم که در کدام يك از نقاط الممالک دیگر نماینده لازم داریم یا نداریم از جمع شدن این قسم اجزاء جزء درمراکز کل هم و نبودن يك شخصی عالی در آنجا چه فایده برای ما خواهد بود بهتر این بود که در این نقاط وزراء سفیر شایسته را بفرستند ما نفرستادیم وقت این اجزاء جزء راه نمیرفتند بقیه بنده اهمیتی نداشت

**لواء الدوله** - عرض کنم غلامعلی خان که در

اینجا نوشته شده بنده او را ندیده ام و از قرار می که شنبه ام تصمیماتش برای ما ایرانیان اسباب افتخار است پدرش از مهاجرین کردستان است و در قضیه سالار الدوله تمام اموالش در کردستان یا ممالک شده است اینجا آمده پنهان شده است بمشروطیت چیزی ندارد که بنده به پسرش تحصیل کند تحصیلش هم تمام شده در باره اشخاصیکه آراء نمایندگان همیشه صاحب بوده است نماینده چه هلثی دارد که حالا باید ماموری مسامحه بکنیم اگر در يك ملکیتی بکوفتی ما وزیر مختار نداشته ایم نباید اجزای سفارتخانه هم نداشته باشیم اگر يك وقتی وزیر مختاری نرفته است یا دیر رفته است این دلیل نمیشود که اجزاء جزء هم نروند

**آقا میرزا احمد** بنده اساساً باین پیشنهاد مخالف نیستم لکن میخواستم از مخیر سؤال کنم که این حقوق از برای مقام آتشه کیست یا اگر روزی هم منفصل شود این حقوق شخصی او محسوب است و باز هم باو داده خواهد شد

**حاج عز الممالک** - اولاً عرض کنم که این محدود خواهد بود برای مدت خدمت اگر چه جوانست که کلاً تصمیمات گرفته و ده سال در مدرسه سیاسی یاریس تحصیل کرده است لکن بحسب پیشنهاد وزیر امور خارجه این مبلغ تامدنی باو داده خواهد شد که بودجه وزارت خارجه از مجلس بگذرد و وقتیکه بودجه از مجلس گذشت آن وقت هر مبلغی که در ضمن بودجه وزارت خارجه برای این شغل معین خواهد شد آن مبلغ را باو خواهند داد این عجلاناً بطور فوق العاده پیشنهاد شده است

**رئیس** - پیشنهادی از طرف آقای فرزانه شده است قرائت میشود (بیمارت ذیل قرائت شد)

این بنده پیشنهاد میکنم که ماده واحده اینطور نوشته شود

ماده - مبلغ پنجاه تومان ماهیانه از تاریخ تصویب مجلس تا تصویب بودجه کل وزارت خارجه برای اتاشه سفارت لندن پس وزارت خارجه اعتبار داده می شود

**حاج عز الممالک** - بنده این پیشنهاد را قبول میکنم

**رئیس** - رأی میگیریم باین ماده واحده موافق اصلاح آقای فرزانه که مخیر قبول کردند آقابانیکه تصویب میکنند ورقه سفید و آقابانیکه رد میکنند ورقه قهوه خواهند داد (اوراق رأی اخذ آبی يك)

**رئیس** - با اکثریت (۴۶) رأی تصویب شد راپورت کمیسیون بودجه راجع بنظام الممالک قرائت میشود (بیمارت ذیل قرائت شد)

لابعه وزارت مالبه در خصوص نظام الممالک قرائت گردیده وزارت مالبه شرحی اظهار داشته اند که مشارالیه سابقاً جزء هیئت ممیزی مشغول خدمت بوده و از شاگردان فارغ التحصیل مدرسه دارالفنون است در این اواخر با اکثر هیالات چندی است ناخوش و بواسطه اختلالیکه در حواس او پیدا شده از کار خارج و نرسیدن حقوق اداری گذران او با جمعی اهل و عیال

مختل مانده است و چون در هنگام مأموریت مریش شده وزارت مالبه ماهی بیست تومان مطابق ماده واحده در باره او تصویب نموده است پس از مذاکرات لازمه کمیسیون بودجه مطابق پیشنهاد وزارت مالبه با اکثریت تصویب مینماید

ماده واحده - ماهی بیست تومان از حالت تحریر لغایت مدت زمانیکه نظام الممالک اختلال حواس دارد برای معالجه و معاش هیالات او وزارت مالبه بطور شهریه بپردازد

**معدل الدوله** - پس از قرائت این لایحه

وزارت مالبه اطلاعایتیکه بنده در خصوص نظام الممالک دارم لازم است عرض بکنم شرح حال او را بعد علت مخالفت خود را عرض میکنم این نظام الممالک پسر مزین الدوله است که او معلم دارالفنون و غلاب اشخاص که تحصیل کرده اند در مدرسه دارالفنون پیش او تحصیل کرده اند این شخص نظام الممالک داخل در مخبری شد و در اوقاتیکه خود بنده دخالت در آنکار داشتم مثل بکنند مستخدم خوب فرنگی کار می کرد با مسیو (دوبروک) و نقشه هائی که کشیده است الان در وزارت مالبه حاضر است حالا این شخص سابقاً چه اترتیبائی داشته است عرض میکنم و خود بنده دیدم که در موقع خدمت از آنچه و غلبه اش بود بیشتر کار می کرد روزی هشت ساعت نه ساعت در آفتاب و رزمین کار میکرد که کسی نتواند ایرادی باو وارد کند در حین مخبری درست شهریار این مبتلا برض جنون شد و بواسطه شدت کار که مراقبت داشت بشغل خودش مبتلا باین مرض شد کسیکه زندگی او بماهی صدویست تومان که از وزارت مالبه باو میسر شده است و پس از ابتلای او که ناخوش بود وزارت مالبه برای احتیاج تامه که باو داشت ماهی چهل تومان باو میداد نماینده چه شده که حالا در این مورد این را بیست تومان تصویب کرده اند در صورتیکه چند ماه است که آن چهل تومان هم باو نمیرسد اگر قانون اجازه میداد که بمبلغ اضافه کنیم بنده پیشنهاد اضافه میکنم بجهت اینکه بحق است اسباب این میشود که شوق خواهد کرد و ایجاد خواهد کرد یکمده اشخاص کافی را برای این مملکت حالا در این پیشنهاد بنده چیزی را که مخالفت دارم فقط در این است که نوشته شده است از حالت تحریر و حال آن که خبر دارم از آن تاریخ تمام زندگانی او را فروخته اند و مخارج او کرده اند چون مرض او يك نوعی است که شاید علاج نشود اگر او را تلف نکنند باین جهت تقاضا کرده ام که پس از فوت او در حق ورثه اش که از هر کس ذبحی تراست و در موقع خدمت بملت و مملکت مبتلا باین مرض شده است مقرر شود

**رئیس** - مذاکرات کافی است پیشنهاد آقای معدل الدوله قرائت میشود (بیمارت ذیل خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم ماده واحده قانون ماهی بیست تومان مقرری نظام الملک اینطور نوشته شود

ماده واحده - ماهی بیست تومان از تاریخیکه مهندس مالبه از وزارت مالبه معطوع شده مادامیکه ناخوش و اختلال حواس دارد برای معالجه و معاش اولاد او وزارت مالبه بطور شهریه بپردازد و در

مخالفت خود را عرض میکنم این نظام الممالک پسر مزین الدوله است که او معلم دارالفنون و غلاب اشخاص که تحصیل کرده اند در مدرسه دارالفنون داخل در مخبری شد و در اوقاتیکه خود بنده دخالت در آنکار داشتم مثل بکنند مستخدم خوب فرنگی کار می کرد با مسیو (دوبروک) و نقشه هائی که کشیده است الان در وزارت مالبه حاضر است حالا این شخص سابقاً چه اترتیبائی داشته است عرض میکنم و خود بنده دیدم که در موقع خدمت از آنچه و غلبه اش بود بیشتر کار می کرد روزی هشت ساعت نه ساعت در آفتاب و رزمین کار میکرد که کسی نتواند ایرادی باو وارد کند در حین مخبری درست شهریار این مبتلا برض جنون شد و بواسطه شدت کار که مراقبت داشت بشغل خودش مبتلا باین مرض شد کسیکه زندگی او بماهی صدویست تومان که از وزارت مالبه باو میسر شده است و پس از ابتلای او که ناخوش بود وزارت مالبه برای احتیاج تامه که باو داشت ماهی چهل تومان باو میداد نماینده چه شده که حالا در این مورد این را بیست تومان تصویب کرده اند در صورتیکه چند ماه است که آن چهل تومان هم باو نمیرسد اگر قانون اجازه میداد که بمبلغ اضافه کنیم بنده پیشنهاد اضافه میکنم بجهت اینکه بحق است اسباب این میشود که شوق خواهد کرد و ایجاد خواهد کرد یکمده اشخاص کافی را برای این مملکت حالا در این پیشنهاد بنده چیزی را که مخالفت دارم فقط در این است که نوشته شده است از حالت تحریر و حال آن که خبر دارم از آن تاریخ تمام زندگانی او را فروخته اند و مخارج او کرده اند چون مرض او يك نوعی است که شاید علاج نشود اگر او را تلف نکنند باین جهت تقاضا کرده ام که پس از فوت او در حق ورثه اش که از هر کس ذبحی تراست و در موقع خدمت بملت و مملکت مبتلا باین مرض شده است مقرر شود

**رئیس** - مذاکرات کافی است پیشنهاد آقای معدل الدوله قرائت میشود (بیمارت ذیل خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم ماده واحده قانون ماهی بیست تومان مقرری نظام الملک اینطور نوشته شود

ماده واحده - ماهی بیست تومان از تاریخیکه مهندس مالبه از وزارت مالبه معطوع شده مادامیکه ناخوش و اختلال حواس دارد برای معالجه و معاش اولاد او وزارت مالبه بطور شهریه بپردازد و در

**رئیس** - مذاکرات کافی است پیشنهاد آقای معدل الدوله قرائت میشود (بیمارت ذیل خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم ماده واحده قانون ماهی بیست تومان مقرری نظام الملک اینطور نوشته شود

ماده واحده - ماهی بیست تومان از تاریخیکه مهندس مالبه از وزارت مالبه معطوع شده مادامیکه ناخوش و اختلال حواس دارد برای معالجه و معاش اولاد او وزارت مالبه بطور شهریه بپردازد و در

سورت فوت همین شهریه در باره وراث قانونی او بر قرار خواهد شد

**حاج عز الممالک** - اگرچه از مخالفت

آقای معدل الدوله نمایندگان خوب ملت شدند و انشاء الله رأی به آن پیشنهاد خواهند داد ولی راجع به پیشنهاد آقای معدل الدوله بنده نمی توانم قبول کنم بواسطه این که این اضافه میشود بر آن چیزی که وزارت مالبه پیشنهاد کرده است و کمیسیون رأی داده است بآن چیزی که وزارت مالبه پیشنهاد کرد و بقیه بنده اگر بخواهد به پیشنهاد ایشان رأی بگیرد شاید اسباب این بشود که در این دوره تقنینیه چیزی برای او تصویب نشود

**معدل الدوله** - بنده پیشنهاد خود را مسترد میکنم

**رئیس** - پس گرفتند پیشنهاد خود را رأی میگیریم بنده واحد راپورت کمیسیون بودجه آقابانیکه تصویب میکنند ورقه سفید و آقابانیکه رد می کنند ورقه قهوه خواهند داد (در این موقع شروع بخاند رأی شده و آقای حاج میرزا رضاخان اوراق رأی را به این عسده احصاء نمود ورقه سفید ۵۶)

**رئیس** - با اکثریت (۵۶) رأی تصویب شد راپورت های متعدده از کمیسیون بودجه رسیده است و دور نیست اغلب آنها را آقایان بخواهند برای بدهند و اگر بخواهند اینطور يك يك رأی بگیریم اسباب اتلاف وقت میشود و هم این که در این دوره تقنینیه هم نمی توانیم رأی بگیریم باین جهت از آقای مخیر کمیسیون بودجه خواهش میشود که يك راپورت مخصوصی برای تمام آنها بنویسد بطور ماده بندی که با قیام و قعود در آن ها رأی بگیریم و بعد يك رأی باور اوراق در تمام آن ها بگیریم دستور روز ۳ شنبه بقیه قانون شرکت راپورت کمیسیون بودجه راجع به شتاد و نه هزار تومان برگشتی از بودجه وزارت دربار راپورت کمیسیون معارف راجع بروزنامه رسمی راپورت کمیسیون بودجه راجع به ارباب لطف الله

**ادیب التجار** - در جلسه قبل شرحی راجع بقانون منع احتکار عرض کردم فرمودند بوزارت داخله نوشته شده که اعانه بدهند و مجدداً نوشته می شود اگر فرستادند که فرستادند اگر هم فرستادند همان پیشنهاد جزه دستور گذاشته شود لذا بنده استدعا میکنم که روز سه شنبه جزء دستور گذاشته شود اگر تا روز سه شنبه آنها نظراتی در آن نموده و فرستادند قیها الاین آن جزه دستور گذاشته شود

**رئیس** - عده برای مذاکرات کافی نیست در این موقع که دو ساعت از شب میگذرد رئیس حرکت کرده جلسه ختم شد

**جلسه ۳۱۸**

**صورت مشروح روز سه شنبه پانزدهم شهر ذی قعدة ۱۳۲۹**

رئیس - (آقای مؤتمن الملک) سه ساعت و ده دقیقه قبل از غروب بجای خود جلوس نمود پس از يك ربع مجلس رسماً افتتاح شد - صورت مجلس روز شنبه را آقای آقا میرزا ابراهیم خان قرائت نمود

مختل مانده است و چون در هنگام مأموریت مریش شده وزارت مالبه ماهی بیست تومان مطابق ماده واحده در باره او تصویب نموده است پس از مذاکرات لازمه کمیسیون بودجه مطابق پیشنهاد وزارت مالبه با اکثریت تصویب مینماید

ماده واحده - ماهی بیست تومان از حالت تحریر لغایت مدت زمانیکه نظام الممالک اختلال حواس دارد برای معالجه و معاش هیالات او وزارت مالبه بطور شهریه بپردازد

**معدل الدوله** - پس از قرائت این لایحه وزارت مالبه اطلاعایتیکه بنده در خصوص نظام الممالک دارم لازم است عرض بکنم شرح حال او را بعد علت مخالفت خود را عرض میکنم این نظام الممالک پسر مزین الدوله است که او معلم دارالفنون و غلاب اشخاص که تحصیل کرده اند در مدرسه دارالفنون داخل در مخبری شد و در اوقاتیکه خود بنده دخالت در آنکار داشتم مثل بکنند مستخدم خوب فرنگی کار می کرد با مسیو (دوبروک) و نقشه هائی که کشیده است الان در وزارت مالبه حاضر است حالا این شخص سابقاً چه اترتیبائی داشته است عرض میکنم و خود بنده دیدم که در موقع خدمت از آنچه و غلبه اش بود بیشتر کار می کرد روزی هشت ساعت نه ساعت در آفتاب و رزمین کار میکرد که کسی نتواند ایرادی باو وارد کند در حین مخبری درست شهریار این مبتلا برض جنون شد و بواسطه شدت کار که مراقبت داشت بشغل خودش مبتلا باین مرض شد کسیکه زندگی او بماهی صدویست تومان که از وزارت مالبه باو میسر شده است و پس از ابتلای او که ناخوش بود وزارت مالبه برای احتیاج تامه که باو داشت ماهی چهل تومان باو میداد نماینده چه شده که حالا در این مورد این را بیست تومان تصویب کرده اند در صورتیکه چند ماه است که آن چهل تومان هم باو نمیرسد اگر قانون اجازه میداد که بمبلغ اضافه کنیم بنده پیشنهاد اضافه میکنم بجهت اینکه بحق است اسباب این میشود که شوق خواهد کرد و ایجاد خواهد کرد یکمده اشخاص کافی را برای این مملکت حالا در این پیشنهاد بنده چیزی را که مخالفت دارم فقط در این است که نوشته شده است از حالت تحریر و حال آن که خبر دارم از آن تاریخ تمام زندگانی او را فروخته اند و مخارج او کرده اند چون مرض او يك نوعی است که شاید علاج نشود اگر او را تلف نکنند باین جهت تقاضا کرده ام که پس از فوت او در حق ورثه اش که از هر کس ذبحی تراست و در موقع خدمت بملت و مملکت مبتلا باین مرض شده است مقرر شود

غائبین جلسه قبل - آقایان دکتر علیخان - شریف العلماء بی اجازه - آقای حسن علی خان بدون اجازه - غائب - آقایان آقا میرزا علی اکبر خان دهمخدا آقا سید محمد باقر ادیب مریش بودند

آقایانیکه از وقت مقرر تأخیر نموده اند مشیر حضور ۵۴ دقیقه - آقای حاج امام جمعه آقا سید حسن مدرس هریک یک ساعت و نیم

**رئیس** - در صورت مجلس ملاحظاتی هست

**ادیب التجار** - بنده در آخر مجلس شرحی در دستور مجلس عرض کردم در باب قانون منع احتکار کاگر از وزارت داخله آن قانون را با نظریات خودشان بمجلس بفرستند همان قانون اولی مطرح مذاکره بشود این از نظر رفته است

**رئیس** - آنرا هم مینویسیم دیگر ملاحظاتی نیست ؟ (اظهاری نشد) صورت مجلس تصویب شد در این موقع که نماینده ملایر مرحوم حاج مصدق الممالک برحمت ایزدی بیوسته است معلوم است که تمام همکاران آن مرحوم از این واقعه ناگوار خیلی متألم و متأثر هستند در این دو سال که آن مرحوم بسمت نمایندگی در مجلس بودند طوری اعضاء مجلس را فریفته افکار صائبه و صفات پسنیده خودشان کردند که در واقع محبوب القلوب همه ماها بودند در کمیسیون بودجه قوانین مالبه و مجلس از افکار صائبه ایشان در واقع منتفع میشدیم - فوت آن مرحوم در حقیقت دوسانه بزرگی است که بمجلس وارد شده است یکی فقدان این شخص که محبوب القلوب تمام ماها بود و دیگری فقدان یک شخصی که از حیث امور پارلمانی برای ما یکی از منقتهای بزرگ محسوب میشد (ارطرف نمایندگان تصدیق شد)

**رئیس** - قانون شرکتهای تجارتی راپورت جدید طبع و توزیع شده گویا تمام آقایان رسیده باشد (گفتند - بله) ماده هشتم (ماده هشتم از راپورت جدید بعبارت ذیل خوانده شد)

ماده - شرکت نامه یا مصدق است یا غیر مصدق شرکت نامه مصدق بیشتر محل اعتبار خواهد بود

**افتخار الواعظین مخیر** - ماده اول میماند برای اینکه يك تجدید نظری در کمیسیون بشود این است که از ماده هشتم راپورت ثانوی کمیسیون قرائت میشود

**حاج وکیل الرعایا** - میخواستم مخیر محترم جواب بدهند که آیا ممکن نیست که تمام شرکت نامهها مصدق باشد که محاکم تکالیفشان قدری آسان تر باشد و ترتیب محاکمات در آنیه راحت تر از این طوری که حالا هست باشد اگر ممکن باشد که کلیتاً مصدق باشد کسان میکنم خیلی اسباب سهولت باشد

**افتخار الواعظین** - مصدق شدن شرکت نامهها را هم نمیتوانیم اجباری بکنیم در قانون که حتماً بروند شرکت نامه های خودشان را مصدق بکنند ولی از برای اینکه تحریر و ترغیب کرده باشیم که بروند و شرکت نامه های خودشان را مصدق بکنند در قانون مینویسیم که شرکت نامهها مصدق بهتر و بیشتر محل اعتبار خواهد بود یعنی

در محاکم عدلیه در وقت تراض و تنازع بیشتر اسباب اعتبار خواهد شد تا اینکه سبب بشود که تعریض و تعریض شوند که برود شرکت نامه های خودشان را مصدق کنند ولی اینکه مصدق کردن شرکت نامه را اجباری قرار بدهند ممکن نیست **رئیس** - دیگر مخالفی نیست رای میگیریم بر ماده هشتم آقایانیکه ماده هشتم را تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام کردند ) .  
**رئیس** - تصویب شد ماده ۱۸ .

ماده ۱۸ - مدیر یا مدیران شرکت که در معاملات و اقدامات راجعه بشرکت از حدود اختیارات معینه خارج شده باشند تأدیبه وجه معاملات برعهده خود آنان است .

**حاج آقا** - بنده در آنجلسه عرض کردم باز هم مکرر میکنم علت از جاع این ماده بکمیسیون این شد که این عبارت را کافی ندانستیم یعنی از احساسات آقایان نمایندگان محترم همچو معلوم میشود که این ماده را کافی میدانند زیرا که فقط بهمان معامله که راجع بخود آنها باشد قناعت نمیتوان کرد برای اینکه ضرری که از این اقداماتیکه خارج از حدود مدیر است و وارد بشرکت بیاید شاید از راه معامله نباشد آنوقت معلوم نیست که آن ضرر راجع بکسی باشد بواسطه اینکه ممکنست مدیر بواسطه شرکت يك اقداماتی بکند که از حیث معامله ضرری بر شرکت وارد نیاید بلکه از طریق دیگر نوشته است غرض ضرر معامله را جلوگیری میکند یعنی معامله را که مدیر خارج از حدود اختیارات خودش میکند یعنی آن معامله را خود مدیر باید بپردازد و نفع و ضرر این معامله راجع بر خود مدیر است ولی اگر ضرری از راه دیگری بر شرکت وارد بیاید چه از اقدامات معامله چه غیر معامله این معلوم نیست که بر عهده کی و مسئول کیست از این جهت در آنجلسه پیشنهاد کردم که هر ضرری از این اقدامات بر شرکت وارد بیاید مسئول خود و برعهده مدیر است این را بنیادیم چرا در کمیسیون اضافه نکرده اند .

**افتخار الواعظین** - دوسه پیشنهاد متحدالعمل در این باب اینکه میفرمایند در جلسه سابقه شد و بنده آن پیشنهاد ها اینکه متحد المال بود قبول کردیم و راجع شد بکمیسیون در کمیسیون پس از مذاکرات زیاد دیدیم لازم نیست نوشتن آنها بجهت این که غرض از این ماده این است که اگر چنانچه مدیر یا مدیران از حدود معینه خودشان تخطی کرده باشند نفع و ضرر معامله مال خود تو است متلابدون اطلاع سایر شرکا رفته است يك خانه خریده است میگوئیم شما وجه این خانه را خودتان باید بدهید نفع و ضرر هم راجع بخودتان است لکن در بعضی مواد دیگر گفته ایم که اگر ضرری وارد شود خود او مسئول است و بر عهده خود او خواهد بود و باید از عهده ضرر بر آید و دیگر خاطر آقایان را متوجه میکنم که بعضی پیشنهاد ها از جهت مقابل نص است و وقتیکه در کمیسیون نشستیم دیدیم میفرمایند که این پیشنهاد ها با مقصودی که در

این ماده است منافی است این بود که آنها را رد کردیم .

**حاج شیخ اسدالله** - غرض از این ماده همین است که آقای مخبر محترم فرمودند که هر يك از مدیران یا مدیران از حدود خودشان خارج شدند آن معامله شخصی است و راجع بشرکت نخواهد بود بنا بر این این عبارت وافی باین مراد نیست این جا نوشته است ( تأدیبه وجه معامله بر عهده خود آنان است ) اما خود این معامله چنین میفهماند که معامله راجع بشرکت است که وجهش از کیسه خود مدیر باید پرداخته شود و حال این که مراد از این ماده این نیست و کمیسیون هم مرادش این نیست باید این نوع نوشته شود که هر گاه معامله کرده که خارج از حدود معینه خودشان باشد اصل آن معامله راجع بخود او است نه این که تأدیبه وجه برعهده او باشد .

**افتخار الواعظین** - این ترتیبی که آقای حاج شیخ اسدالله میفرمایند گویا این عبارت وافی باشد بجهت این کوفتی که میگوئیم بول معامله را تو بدنه معنی این است که این معامله مال شماست و نفع و ضرر هم مال شما است والا این که بول آن معامله را ادریهد واصل معامله مال شرکت باشد این ماده این را هیچ نمیرساند و مربوط بهم نیست .  
**حاج سید ابراهیم** - از مشاهای معروف است بیان المراد میفرماید ایراد میگویند مراد از عبارت این است لکن ایشان که همیشه همراه این عبارت نیستند که بیان مراد کردند و این مطلب فهمیده شود این که نوشته است ( در معاملات و اقدامات معاملات یا همان اقدامات است باین مراد از اقدامات نیست اگر مراد از اقدامات هم معامله باشد لازم بنوشتن نبود معاملات طبق و ترتیبش اقداماتی است که ممکنست است ضرر وارد بیاید چه ضرر دارد بنویسند که تأدیبه خسارت وارده و وجه معامله و اجتهاد مقابل نمر را بنده نمیفهمم باید قانون واضح و روشن باشد که قانون را بدست هر دو طرفی که متداعین هستند بنده این قانون حاکم باشد و پیش آنها اجمالی نداشته باشد که محتاج باشند رجوع کنند بآقای مخبر و بعد از مراجعه بدانند که معنی متلا این بوده است .

**حاج وکیل الرعایا** - گمان میکنم که مدیر یا مدیران برای گردش دادن يك تجارانی انتخاب میشوند و وظیفه شان آنچه که در تحت يك اختیاراتی میآید تماماً راجع به معاملات است و دیگر در سایر کارهای شرکت حقی ندارد که اختیاراتی بآنها بدهد یا ندهد اگر مقصود همین است که نوشته وقتاً هم غیر از این نیست پس در وقتی که معامله بخود او برگشت ننگه اند که تأدیبه وجه معامله را میچنان بکند تا اینکه اصل آنچه چیزی که خریده است برای شرکت بماند و آن بولی را که میگویند آنچه معامله بعهده او است این معاملات از چند صورت خارج نیست تمام معاملات باین شکل نیست که فوراً يك چیزی بدهی و يك چیزی بگیری خیلی از معاملات است که بکندستزادی دارد که ممکن است که يك مدیر شرکتي که داخل يك کاری بشود بکند لکن از تحت اختیار او خارج باشد اما صحبت معامله کی پیدا میشود بعد از شش ماه

هشت ماه دیگر آنوقت میگویند که این ضرر کرد یا نفع کرده همچو اختیاری باو داده نشده است گمان نمیکنم همچو چیزی باشد اگر هم معامله نقدی است که البته چنین هم نیست که شرکت بی اطلاع باشد يك منتقش دائماً در شرکت ها هست چنین نیست که بی جهت کار بکنند آنچه چیزی را که در این قانون می بینم لازمه اش این است که در نظامنامه داخلی آنها هم مقید خواهد شد که دائماً يك منتقش را دارا خواهد بود گمان نمیکنم که کسی که باید از کارهای شرکت با اطلاع باشند باین اندازه عاری از کار باشند که چنانچه مقرراتی را بکنیم و يك عیبی بر او اضافه نکرده باشیم بنده که این ماده را به ترتیب تمام میدانم آن آقایانیکه می خواهند آن عبارت را بگویند که چه باید اینجا گذاشت که آن ماده را از آن مقصودی که دارد وافی تر بکند بنویسند ما بدانیم .

**آقا شیخ ابراهیم** - این از چند جهت قسم دارد فرض میکنم شرکت اختیاراتی داده است به مدیران که قند بخرند نفع بخرند و شرط هم کرده است که باید از راه دریا حمل نکند از راه صحرا حمل کنی معامله همان طور که گفته کرده است ولی اختیار داده بودند از راه صحرا حمل کنند از راه دریا حمل کرده است این ضرر باید راجع بخود او باشد یا متلا بول را در صندوق آهنی باید بگذارد در طاقچه گذاشت ضرری وارد آمد این ربطی به معامله ندارد علاوه بر این معامله که از حدود اختیارات خود خارج شده باشد میگویند تأدیبه بول او بعهده خود او است بسیاری از معاملات برای او نفع دارد و این هیچ مجازاتی نیست و بسیاری از معاملات را هم تخلف میکنند وقتی می بیند منفعت دارد میگوید بولش بعهده خود نفعش هم مال خودم کار شرکت را تعطیل می نماید و برای خود کار می کند این چه فایده ای خواهد کرد و چه مجازاتی شد که اگر از حدود اختیارات خارج شد مال است به علاوه چطور بر عهده اوست چطور ضرر را از عین مال او بر می دارد و حال آنکه بجز تأدیبه اصل وجه چیزی دیگر برعهده ندارد مگر بفرمایند قرض محسوب میشود بشرکت ادا می کند و حال آنکه هر گاه معامله کرد اگر منفعت دارد میگویند این معامله را کرده اگر چه از حدود اختیارات خارج شده لکن چون منفعت دارد او را امضاء میکند به هر گاه معامله کرد و ضرر هم دارد این مجازات او است که بگوئیم این ضرر بر عهده او است به علاوه خیلی خیلی اقدامات در ضمن معامله هست که ممکن است بعمل آورد و از اختیارات تخلف کند چنانچه مثل زدم که گفتند این قند از راه صحرا حمل کنند از راه دریا حمل کرد فرق شد این معامله است که برعهده خود اوست بجهت اینکه در معامله تخلف نکرده است و همان معامله را که گفته بودند کرد ولی در ترتیب تخلف کرده است باید گفت اقدامات را بردارند بنویسند ( زری که در معاملات از حدود اختیارات خارج شده برعهده اوست تا اینکه اگر اقدامات میروند و او از حدود اختیارات تخلف کرد خسارت بر عهده او است در صورتیکه دیگران قبول نکرده اند باید بر عهده او باشد والا که دیگران قبول کردند و برای کت منفعتی دارد چرا برعهده او باشد

**افتخار الواعظین** بنده عرض میکنم که تمام مفاد و مراد يك قانون را نمی توان در يك ماده گنجاند آنچه از این ماده مقصود ما است اینست که اگر چنانچه يك معامله کرد و از حدود اختیارات معینه خودش خارج شد می گوئیم این معامله مال خود او است و وجه خسارت هم برعهده خود اوست حالا اگر آقایان این عبارت را کافی میدانند که از اقدامات خساراتی وارد شود که این خسارت شامل آن نمیشود يك عبارت بی پیشنهاد بفرمایند شاید بنده قبول کنم **رئیس** - حالا مذاکرات کافی نیست ( گفتند چرا کافی است )

**رئیس** - چند فقره اصلاح پیشنهاد شده است قرائت میشود بترتیب ذیل خوانده شد  
۱ - از طرف حاج سید ابراهیم بنده پیشنهاد میکنم این عبارت با شرح ماده اضافه شود ( و خسارت وارده برعهده آنان است  
۲ - از طرف حاج آقا - بنده پیشنهاد می کنم که این جمله در آخر ماده ۱۸ اضافه شود ( و هر ضرری که از اینگونه اقدامات بر شرکت وارد آید از عهده آن بر آید و جبران نمایند مراد از ضرر ضرر محقق است نه ضرر متصور که عدم النفع باشد  
۳ - از طرف آقا شیخ اسدالله - بنده پیشنهاد می کنم که آخر ماده این نوع نوشته شود معامله راجع بخود آن است

۴ - از طرف آقا میرزا ابراهیم قمی - بنده ماده ۱۸ را بطریق ذیل پیشنهاد میکنم مدیران شرکت که در معاملات و اقدامات راجعه بشرکت از حدود اختیارات شعبه خارج شده باشند و بدین واسطه ضرر و خسارتی متوجه شود تأدیبه خسارت و وجه معامله برعهده آنان است  
۵ - از طرف آقای ارباب کیخسرو مدیر یا مدیران شرکت هر گونه معاملاتی خارج از حدود اختیارات معینه خود برای شرکت بنماید و از آن جهت خسارتی وارد آید بر عهده خود مدیر یا مدیران است  
۶ - از طرف آقای کاشف بنده پیشنهاد می کنم که اینطور نوشته شود ( بعد از کلمه خارج شده باشند خسارت وارده از آن اقدام یا معامله برعهده خود آنان است .

۷ - از طرف آقای حاج شیخ رئیس - بنده پیشنهاد میکنم لفظ اقدامات حذف شود

**افتخار الواعظین** - يك کدام از اینها بود که عبارت او خیلی صریح بود اگر سایر آقایان پیشنهاد خودشان را مسترد بدارند من او را قبول می کنم .  
**رئیس** - مال آقای قمی بود ( مجدداً پیشنهاد آقای قمی قرائت شد .  
**حاج سید ابراهیم** - بنده هم همان را اختیار میکنم  
**حاج شیخ اسدالله** - بنده در پیشنهاد خودم توضیح دارم  
**ارباب کیخسرو** - بنده هم مسترد میدانم  
**کاشف** - بنده هم قبول دارم .  
**حاجی آقا** - بنده هم می پذیرم  
**حاجی شیخ رئیس** - بنده توضیح دارم

**رئیس** - می ماند مال آقای حاج شیخ اسدالله حاج شیخ رئیس  
**حاج شیخ اسدالله** - بعد از اینکه يك مدیری بوظایف خود رفتار نمیکند و يك محدودیکه برای او معین سکرتند از آن حدود خارج می شود مثل يك نفر و وكيل میماند که برای کاری همین شده است با يك ترتیب معینی و از حدود و کالتش خارج شده باشد حالا هر امامز آن حدود خارج شد معامله کرد معامله شخصی میشود و هیچ راجع بشرکت نیست و این پیشنهادهایی که شده است همه راجع به ضرر است اما در مورد نفع میگویند مال شرکت است و وقتیکه از حدود خودش خارج شد فرق نمیکند ضرر باشد یا نفع ما مدیران را نباید منع میکنم که تا زمانی که بتوان مدیری شرکت معامله میکنند هیچ نوع معامله شخصی نکنند معامله شخصی می توانند بکنند مجبور نیستند نکنند اما بعد از آنکه از آن حدود خارج شد و معامله کرد نفعش مال خودش ضرر هم مال خودش اینست که در اینجا باید نوشته شود اصل معامله مال خودش باشد فرق نمی کند اینست که پیشنهاد خود را مسترد نمیکم و عقیده ام اینست که آرای گرفته شود .

**رئیس** - مجدداً پیشنهاد حاجی شیخ اسدالله قرائت میشود و رای میگیریم ( مجدداً قرائت شد )  
**رئیس** - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند ( بعضی قیام کردند )  
**رئیس** - قابل توجه شد آقای حاجی شیخ رئیس توضیح بدهند .

**حاج شیخ رئیس** - بنده در این ماده همانطوریکه پیشنهاد کرده اند و بجلس آمده عیبی نمی بینم فقط چیزی که کلمه زائده بلکه بی فایده است لفظ اقدامات است بواسطه اینکه اگر اقدامات حذف تفسیری بر معاملات باشد این يك تکرار می حاصلی است و اگر اقدامات چنانچه ظاهر لفظ میفهماند علاوه بر معاملات باشد اولاً باید معلوم کرد که چه جور عنوانی است آنوقت حکم آن اقدامی را که از این حدود معینه خارج شده است بیان سکرتد حکم اقدامی که از این حدود معینه خارج شده باشد ذکر شده است بلکه عنوان را ذکر کرده اند و حکم يك عنوان را در آخر ماده ذکر کرده اند مثلاً من یکی از شرکا بودم هم از حدود معاملات معینه که بيك جنس معینی که شرکاء اجازه داده بودند از آن بجز تجاوز کردم و رقوم چیز دیگری خریدم و هم اقداماتی کردم که آنهم از حدود اختیار من خارج است حکم معامله همان است که در اینجا نوشته است که این معامله معامله شخصی است نهایت معامله نوعی را شخصی کرده و در واقع راجع بشرکت نیست و آنرا فضولی هم نمیشود گفت مثل اینکه من میگویم کسی خانه من را مأذون نیست بفروشد حالا بعداً يك کسی فضولی کرد و فروخت بعد که امضاء میکنم این امضاء بمنزله يك معامله دیگری است ربطی بآن معامله فضولی ندارد حاصل اینست که معامله ای که خارج از حدود معین شد حکمش همین است که از این ماده نوشته اند و نفع و ضرر آن راجع است بهمان شخصی که تجاوز از حدود خود کرده اما اگر اقدامی غیر معامله کرده باشد و ضرری متوجه شده باشد ابتدا دیگر هیچ مسئولیتی با من متوجه نیست دیگر

چه خسارتی باید بگوئیم باو یا بکنند بقول یکی از آقایان گفته اند بنده نفع خرید حالا نفع کرد ضرر کرد این دیگر به بوجه نمیشود او را در این اقدام الزام کرد پس چون حکم اقدامات را اینجا مسکوت نه گذاشته است لازم میدانم که اقدامات را حذف کنند و بخاطر محترم آقایان را متوجه میکنم و البته متوجهند که ضرر دو عنوان است یکی اینکه موضوع ضرر بآن متوجه میشود آن همان است که گفتند لاضرر ولا ضرر ضمان و غیره در آن جا میآید و يك مرتبه در نظر عرف بعضی چیز ها ضرر است که این را میشود ضرر گرفت ولی بآن جنس انضامی و قانون ذیل و قانون عدلی را ضرر نموده اند مثل تقویت منفعت بنده اگر برفتم کسب میکنم شاید مبلغی از محل حلالی تحصیل میکنم ولی مرا حبس کردند نگذاشتند بروم معامله بکنم این را نمی گویند که بمن ضرر وارد آمده میگویند تقویت نفع از من گرفته اند حالا اگر يك نفر از شرکاء اقدام کند بر اینکه بيك جنسی را بيك روزی خریده خواسته اند شرکاء که او در انبار خودش ذخیره کرده که يك روزی بصرف برسانند و بقیمت عالی بفروشند او بیاید در معامله شخصی تقویت منفعت کند نسبت بشریکه خودش هم داخل آنها است در اینجا ضرر متوجه اونمیشود و ضمان آور نیست و فاعله لاضرر ولا ضرر هم در اینجا جاری نیست .

**افتخار الواعظین** - مرادمان از اقداماتیکه باید بکنیم میکنند و او را نمیتوان معامله گفت مثلاً باز قبول مینهند که من در سه ماه دیگر فلانقدر بینه بشما خواهیم فروخت این معامله هست این ماده میگوید اگر چنانچه بيك چنین اقدامی کرده است یا تأدیبه وجه آن اقدام برعهده خود او است

**رئیس** - رای میگیریم باصلاح آقای حاج شیخ رئیس آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند ( عده قبلی قیام کردند )  
**رئیس** - قابل توجه نشد رای میگیریم بنده ۱۸ با اصلاح آقای قمی بهمان ترتیبی که پیشنهاد کردند و آقای مخبر هم قبول کردند آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام کردند )  
**رئیس** - تصویب شد ماده ۲۳ ( عبارت ذیل قرائت شد )

ماده ۲۳ - در شرکت مختلط شرکاء مسئول بطور لازم ملتزم میشوند بر اینکه در صورتیکه قرض شرکت پیش از دارائی آن باشد قدر زائد بعهده شرکاء مسئول باشد و چون مسئولیت شرکاء قسم دوم محدود بهم آنان است اگر شرکت بیش از دارائی مقروض شود از قروض علاوه بردارائی بر ذمه آنان چیزی نخواهد بود .

**رئیس** - مخالفی هست ؟  
**حاج شیخ اسدالله** - اینرا جمع ماده ۲۱ است و بآن هنوز رای نگرفته اند در صورتیکه آماده تصویب شد اینرا میتوانم رای بدهم .  
**رئیس** - ماده ۲۱ چون لفظ تجارت نمایند داشت و در ماده اول آقای وحید الملک پیشنهادی کردند و راپورتش داده نشده است یعنی این مسئله حل نشده است و چون راپورتش داده نشده نمیتوان



سهام باید در اعتبار در دفترخانه مرکز شرکت اظهار نموده و اظهار او با تغییراتی که حاصل شده است در دفتر مخصوص ثبت شود .

**رئیس -** دیگر که توضیح لازم ندارد .

**لسان الحکما -** آقای مخبر قبول نفرمودند باید توضیح بدهم .

**رئیس -** مخبر چه میفرماید؟

**مخبر -** خیر .

**لسان الحکما -** چون دفتر دارا انجام مقصود است بناشود که همه اظهارات را اینجا ثبت کند معنی ندارد یعنی حاصلی نخواهد داشت پس باید خود دفتر را ملزم نمایند باینکه این تغییرات را بنویسند و در مقام عمل هم تفاوتی ندارد .

**رئیس -** رأی میگیریم باصلاح آقای لسان الحکما آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند ( عده قلبی قیام نمودند )

**رئیس -** تصویب نشد - اصلاح ارباب قرائت میشود . ( ببارت ذیل خوانده شد )

بنده پیشنهاد میکنم بعد از کلمه ثبت نوشته شود - و آن تغییر اسم در ظهر ورقه سهم فید شود ارباب کیخسرو - ثبت در دفتر صحیح است ولی این حکم برات نوشته را دارد و دو دست بدست میگردود محکم تر میشود اگر علاوه بر اینکه در دفتر ثبت میشود اسم آن شخص هم که خریدار شده است در ظهران ورقه قید شود .

**افتخار الواعظین -** هیچ ملزم نیست شرکت یاد دفتر دار که اسم او را در ظهر این ورقه ثبت بکنند بکه ممکن است یک ورقه دیگر باسم او بنویسند و بنده پس بهتر است که این را با اختیار شرکت و اگذار کنیم که هر طوری بنظرش میرسد قرار بدهد .

**معین الرعايا -** بنده هم تصدیق میکنم اظهار آقای ارباب را ولی در ظهر نباید نوشته شود باید در خود متن اسم آنکس که آن سهم را میبرد قید شود ارباب کیخسرو - مقصود بنده این است که آن یک نفر اسم قید شود حالا در ظهر باشد یا در متن فرقی ندارد و آن کلمه ( ظهر ) را بردارند بنویسند آن تغییر اسم در ورقه سهم قید بشود .

ثانیاً اصلاح مزبور با حذف کلمه ( ظهر ) قرائت شد .

**رئیس -** رأی میگیریم باصلاح آقای ارباب کیخسرو آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

**رئیس -** قابل توجه شد ماده ( ۳۰ ) ( ببارت ذیل قرائت شد )

ماده ۳۰ - هیچ سهمی اهم از اینکه اسمی یا حاملی باشد مبلغ آن بیش از صد تومان نمیتواند باشد **رئیس -** مخالفی نیست در ماده ۳۰ ( اظهاری نشد )

**رئیس -** رأی میگیریم بماده ۳۰ آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

**رئیس -** با اکثریت تصویب شد ماده ۳۱ ( ببارت ذیل خوانده شد )

ماده ۳۱ - محض تأدیبه منافع سهم بانساق و بجهت اینکه چند نفر میتواند شریک شده یک سهم ایتباع نماید برای هر سهمی میتوان چندین قسمت

متساویه قرار داد که هر یک موسوم برش است .

**حاج آقا -** بنده این را راجع بشرکت سهامی که سهامش اسمی نباشد صحیح میدانم اما اگر سهام اسمی شد آنوقت اینکه یک سهم صد تومانی را ده قسمت یا بیست قسمت برش قرار بدهیم که برش آنرا اشخاص مختلف ببرند گمان نمیکنم بشود اینطور کرد و صحیح باشد ممکن است برای آن مقصودی که در نظرش است عوض اینکه برای سهام برش قرار بدهند سهام را کوچک میکنند که هر سهمی دو تومان یا پنج تومان یا ده تومان باشد و الا گمان نمیکنم که این ترتیب صحیحی باشد .

**حاج وکیل الرعايا -** ما که اینجا حد اقل سهام را تعیین نکرده ایم که کسی بتواند سهم کوچک را بخرد بلکه ما حد اکثرش را تعیین کردیم و گفته ایم که حد اعلی آن از صد تومان علاوه نمیتواند باشد و باین جهت ممکن است سهام یک شرکتی حد اقل آن را داشته باشد بلکه بنده گمان میکنم با آن ترتیبیکه در مواد قبل نوشته ایم مستغنی از نوشتن این ماده هستیم و این ماده هم برای مالک ساده با منفعتی نیست .

**افتخار الواعظین -** اینجا همین قسمتی که نوشته شده است که چند نفر میتواند شریک بشوند و یک سهم را بخرند همین قسم هم ممکن است که یک نفر بکند و بتواند صد تومان بدهد و یک سهم صد تومانی بخرد بلکه بدفعات میورد پول میدهد و یک سهم صد تومانی بگیرد شما میفرمائید ده تومان امروز دارد برود بدهد یک سهم ده تومانی بخرد یا اینکه صد تومان اگر دارد بدهد دهتا سهم صد تومانی بخرد تا اینکه دارای یک سهم صد تومانی باشد ولی این ماده میگوید که اگر میخواهد یک سهم صد تومانی بخرد میتواند در چهار قسط پول بدهد و آن سهم را بخرد مثلا دفعه اول میورد ( ۲۵ ) تومان میدهد یک برش ( ۲۵ ) تومانی میگیرد و به همین ترتیب تا قسمت چهارم آن وقت هر چهار برش را میبرد میدهد یک سهم صد تومانی بگیرد و این ترتیب گویا بهتر باشد از اینکه سهام را کوچک قرار بدهند .

**رئیس -** مطلبی را که آقای حاج وکیل الرعايا گفتند گویا در ماده ۳۰ باشد .

**حاج آقا -** بنده این توضیحی که مخبر دادند اینطور فهمیدم که یک شخص میخواهد یک سهم صد تومانی بانساق بخرد میتواند برش برش هر وقت پول دارد بدهد آن برش را بگیرد ولی آن چیزی که مفاد ماده است اینطور نیست مفاد ماده اینست که صد نفر اگر بخواهند میتوانند شریک بشوند و یک سهم صد تومانی بخرند آنوقت این دهنر هر کدام یک برش میتوانند بخرند که یک سهم بدست آنها آمده باشد و بنده اشکال این بود که در آن موقع سهام اسمی باشد نه حاملی آنوقت باید یک سهم باشد باسم ده نفر پس باید این را اختصاص بدهند بجاملی یا اینکه یک ترتیبی برای آن بدهند .

**رئیس -** آقایان مذاکرات را کافی نمی دانند ( گفتند کافی است )

پیشنهادی آقای مدرس کرده اند خوانده میشود ( بمضمون ذیل قرائت شد )

بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۳۱ بعد از لفظ ( بانساق ) زیاد شود .

**آقا سید محسن مدرس -** چون نوشته شده است که چندین قسمت متساویه خواستم عرض کنم که اختصاص متساویه ندارد مختلط هم میتواند باشد **رئیس -** آقای مخبر چه میفرمائید؟

**افتخار الواعظین -** مراد همان قسمت های متساویه است و باید متساویه باشد مختلطه .

**رئیس -** رأی میگیریم باصلاح آقای مدرس آقایانیکه این اصلاح را تصویب میکنند قیام نمایند ( عده قیام نمودند )

**رئیس تصویب نشد -** رأی میگیریم باصل ماده ۳۱ بهین ترتیبی که قرائت شد آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

**رئیس -** تصویب شد ماده ۳۲ ( ببارت ذیل قرائت شد )

ماده ۳۲ - حق دارنده سهم اولاً منفعتی است که هر ساله عاید میشود ثانیاً قسمتی از دارائی شرکت است که بعد از تفکیک شرکت بازمیرسد .

**بهبخت -** اصل حق هبارت است از آن قسمت از دارائی شرکت که قسمت او میشود مثلا در شرکتی که هزار تومان سرمایه و دارائی دارد من یک سهم یک تومان را خریده ام یک دهم از آن مال من است یعنی وقتیکه شرکت تفکیک شد یک دهم از آن بمن میرسد نه اینکه منافع آن حق من باشد بلکه منافع بواسطه آن حق بمن میرسد و الا دارائی من عبارت از یک دهم هزارم از شرکت خواهد بود .

**معین الرعايا -** این ماده هیچ منافاتی با اظهارات آقای بهجت ندارد بجهت اینکه آن شخص یک حق همه ساله از این شرکت میبرد و یک حق هم بعد از تفکیک و این ماده هر دو قسم آنرا میگوید و منافاتی با اظهار آقای بهجت ندارد .

**رئیس -** مذاکرات کافی است رأی میگیریم بماده ۳۳ آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

**رئیس -** با اکثریت تصویب شد ماده ۳۴ ( ببارت ذیل قرائت شد )

ماده ۳۳ - حق دارنده سهم اولاً منفعتی است که هر ساله عاید میشود ثانیاً قسمتی از دارائی شرکت است که بعد از تفکیک شرکت بازمیرسد .

**بهبخت -** اصل حق هبارت است از آن قسمت از دارائی شرکت که قسمت او میشود مثلا در شرکتی که هزار تومان سرمایه و دارائی دارد من یک سهم یک تومان را خریده ام یک دهم از آن مال من است یعنی وقتیکه شرکت تفکیک شد یک دهم از آن بمن میرسد نه اینکه منافع آن حق من باشد بلکه منافع بواسطه آن حق بمن میرسد و الا دارائی من عبارت از یک دهم هزارم از شرکت خواهد بود .

**معین الرعايا -** این ماده هیچ منافاتی با اظهارات آقای بهجت ندارد بجهت اینکه آن شخص یک حق همه ساله از این شرکت میبرد و یک حق هم بعد از تفکیک و این ماده هر دو قسم آنرا میگوید و منافاتی با اظهار آقای بهجت ندارد .

**رئیس -** رأی میگیریم بماده ۳۳ آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

**رئیس -** با اکثریت تصویب شد ماده ۳۴ ( ببارت ذیل قرائت شد )

ماده ۳۴ - حق دارنده سهم اولاً منفعتی است که هر ساله عاید میشود ثانیاً قسمتی از دارائی شرکت است که بعد از تفکیک شرکت بازمیرسد .

**بهبخت -** اصل حق هبارت است از آن قسمت از دارائی شرکت که قسمت او میشود مثلا در شرکتی که هزار تومان سرمایه و دارائی دارد من یک سهم یک تومان را خریده ام یک دهم از آن مال من است یعنی وقتیکه شرکت تفکیک شد یک دهم از آن بمن میرسد نه اینکه منافع آن حق من باشد بلکه منافع بواسطه آن حق بمن میرسد و الا دارائی من عبارت از یک دهم هزارم از شرکت خواهد بود .

**معین الرعايا -** این ماده هیچ منافاتی با اظهارات آقای بهجت ندارد بجهت اینکه آن شخص یک حق همه ساله از این شرکت میبرد و یک حق هم بعد از تفکیک و این ماده هر دو قسم آنرا میگوید و منافاتی با اظهار آقای بهجت ندارد .

**رئیس -** رأی میگیریم بماده ۳۳ آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

**رئیس -** با اکثریت تصویب شد ماده ۳۴ ( ببارت ذیل قرائت شد )

ماده ۳۴ - حق دارنده سهم اولاً منفعتی است که هر ساله عاید میشود ثانیاً قسمتی از دارائی شرکت است که بعد از تفکیک شرکت بازمیرسد .

**بهبخت -** اصل حق هبارت است از آن قسمت از دارائی شرکت که قسمت او میشود مثلا در شرکتی که هزار تومان سرمایه و دارائی دارد من یک سهم یک تومان را خریده ام یک دهم از آن مال من است یعنی وقتیکه شرکت تفکیک شد یک دهم از آن بمن میرسد نه اینکه منافع آن حق من باشد بلکه منافع بواسطه آن حق بمن میرسد و الا دارائی من عبارت از یک دهم هزارم از شرکت خواهد بود .

**رئیس -** رأی میگیریم بماده ۳۳ آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

**رئیس -** با اکثریت تصویب شد ماده ۳۴ ( ببارت ذیل قرائت شد )

ماده ۳۴ - حق دارنده سهم اولاً منفعتی است که هر ساله عاید میشود ثانیاً قسمتی از دارائی شرکت است که بعد از تفکیک شرکت بازمیرسد .

**بهبخت -** اصل حق هبارت است از آن قسمت از دارائی شرکت که قسمت او میشود مثلا در شرکتی که هزار تومان سرمایه و دارائی دارد من یک سهم یک تومان را خریده ام یک دهم از آن مال من است یعنی وقتیکه شرکت تفکیک شد یک دهم از آن بمن میرسد نه اینکه منافع آن حق من باشد بلکه منافع بواسطه آن حق بمن میرسد و الا دارائی من عبارت از یک دهم هزارم از شرکت خواهد بود .

**حاج شیخعلی خراسانی -** بنده لفظ بقید بطلان را درست ملتفت نشدم خوب است آقای مخبر توضیح بدهند **افتخار الواعظین -** در ضمن شور اول عرض کردم و حالا هم خاطر محترم آقایان نمایندگان را مستحضر میکنم که بقید بطلان یک اصطلاحی است که در مواد بعد هم هست و معنی آن اینست که آنچه در این ماده هست اگر رعایت نشود شرکت منعقد نخواهد شد مثلاً مقصود در اینجا از ذکر این بقید اینست که احداث شرکت باید با اجازه دولت باشد و در مجلس شورا و زرا رأی بدهند و در ورقه هم که استنهای اجازه میشود باید شرکاء مسئول مهر و امضاء نمایند و الا آن شرکت تشکیل نخواهد شد بقید بطلان معنیش این است

**حاج سید ابراهیم -** بنده میخواهم عرض کنم که مجلس شور و زرا صحیح نیست بنویسد در هیئت وزراء رأی داده شود

**بهبخت -** بنده می خواستم عرض کنم که هیچ اهمیتی ندارد که در مجلس شور وزراء رأی داده شود همان اجازه و وزارت تجارت کافی است

**افتخار الواعظین -** برای اینکه استحکام زیادت در تأسیس شرکتها شود و برای اینکه شرکت و تجارت اهمیت دارد و می توانه یک وزیری بدون اطلاع سایر وزراء در منزل خودش اجازه احداث شرکت بدهد باید اجازه هیئت وزراء باشد و در مجلس شور وزراء رأی داده شود که تمام وزراء مسبق و مطلع باشند

**رئیس -** رأی میگیریم بماده ۳۴ آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

**رئیس -** با اکثریت تصویب شد ماده ۳۵ ( بمضمون ذیل قرائت شد )

ماده ۳۵ - علاوه بر شرایطی که در مواد ( ۷ و ۶ ) ذکر شد شرکتهای باید متضمن فقرات ذیل باشد ( اولاً ) در صورتیکه هر ساله قسمتی از منافع شرکت باید ذخیره بشود تعیین مقدار آن ( ثانیاً ) تعیین موقع اجلاس مجلس سهام ( ثالثاً ) اجازه دولتی و تاریخ صدور آن

**رئیس -** مخالفی نیست ( اظهاری نشد )

**رئیس -** رأی میگیریم بماده ۳۵ آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

**رئیس -** با اکثریت تصویب شد ماده ۳۶ ( بمضمون ذیل قرائت شد )

ماده ۳۶ - شرکت نامه باید مطابق ماده ۹ و ۱۰ مصنف در تهران بچهار نسخه و در ولایات پنج نسخه نوشته شود

**رئیس -** در ماده ۲۶ مخالفی نیست ( اظهاری نشد )

**رئیس -** رأی میگیریم آقایانیکه ماده ۳۶ را تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

**رئیس -** با اکثریت تصویب شد ماده ۳۷ ( ببارت ذیل قرائت شد )

ماده ۳۷ - شرکتهای باید در ظرف دو هفته قبل از شروع معاملات شرکتی در یک روز نامه مرکز شرکت و در سه روز نامه دیگر دو مرتبه و بفاصله یک هفته اعلان شود اگر مرکز شرکت غیر از تهران است باید در یکی از روزنامهجات تهران هم اعلان شود و در صورتیکه در مرکز شرکت روز نامه نباشد مراتب فوق باطلاع حکومت و در محل محل معیر عام است اعلان خواهد شد اگر شرکت در شهرهای معتبر شعبه دارد علاوه بر سه روزنامه باید در هر یک از شهرها مطالب فوق اعلان شود

**رئیس -** مخالفی نیست

**حاج وکیل الرعايا -** فقط میخواستم عرض کنم که عوض تهران پایتخت نوشته شود

**رئیس -** این مسئله چند روز قبل در مجلس حل شد دیگر مخالفی هست ( اظهاری نشد )

**رئیس -** رأی میگیریم بماده ۳۷ آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

**رئیس -** با اکثریت تصویب شد ماده ۳۸ ( بمضمون ذیل قرائت شد )

ماده ۳۸ - هر یک از سهام باید بقید بطلان حاوی مطالب ذیل باشد اولاً اجازه دولتی و تاریخ صدور آن ثانیاً اسامی شرکاء مسئول ثالثاً تاریخ انعقاد شرکت و تاریخ اعلان را با قیمت سهم خامساً اگر شرکت چند نوع اسهام آن دارد تعیین اقسام آن و نیز تعیین عده هر یک از اقسام مزبور سادساً امتیازاتی که در باره بعضی از شرکاء رعایت شده است سابعاً مدت شرکت ثانیاً تعیین موقع انعقاد مجلس معموله سهامتانه .

**رئیس -** مخالفی نیست ( اظهاری نشد )

**رئیس -** رأی میگیریم بماده ۳۸ آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

**رئیس -** با اکثریت تصویب شد ماده ۳۸ الحاقی ( ببارت ذیل خوانده شد )

ماده ۳۸ - هر یک از سهام باید باعضای دو نفر از مدیران و یک نفر از نظار رسیده باشد

**حاج سید ابراهیم -** گمان میکنم که در سهام همان امضای دو نفر از مدیران کافی است دیگر امضاء یک نفر از نظار لازم نیست

**افتخار الواعظین -** اگر ماده بعد از آقا ملاحظه میفرمودند تصدیق میکردند که یک نفر از نظار هم اگر امضاء بکنند بهتر و بیشتر اسباب استحکام کار شرکت خواهد بود .

**حاج آقا -** این ماده ۳۸ الحاقی که اینجا میگوید اگر جزء ماده ۳۸ قبل باشد بهتر است بجهت اینکه ماده الحاقی را وقتی مینویسند که قانونی نوشته شده باشد و رأی داده باشند و الا که قانون مینویسند هنوز تمام آن نگذشته است ماده الحاقی معنی ندارد این را ممکن است جزء همان ماده ۳۸ پیش بکنند با اینکه یک ماده ملحقه بشود و ماده ( ۳۹ ) باشد

**رئیس -** حالا که رأی گرفتیم آنرا قبل از از وقت میخواستید بفرمائید .

**معین الرعايا -** بنده عرض میکنم که هیچ ایرادی بر این وارد نمیشود حد اقلش را معین میکنند باقی دیگرش دست خود شرکت است بنویسند اگر سرمایه صد هزار تومان باشد چهار تومن اقلش کمتر نباشد اختیار دست خود شرکت است میتواند

**حاج آقا -** ممکن است همانطور که عرض کردم این را حالا ماده ۳۹ بکنند

**افتخار الواعظین -** این ماده را بعنوان ماده الحاقی پیشنهاد شده است همانطور که نوشته ایم ولی پس از اینکه از مجلس گذشت و رأی داده شد البته يك نوبت که میکنند ماده بندی میشود و این خودش يك ماده میشود و ضروری ندارد

**آقا میرزا احمد -** بنده راجع با مضامین در نظر عرض داشتم که ممکن است شرکت بکنند مدیر داشته باشد در آن صورت یک نفر دیگر را از کجا بیآورند که آنها را امضاء بکنند بقیه بنده این عبارت کافی نیست و باید اصلاح شود .

**رئیس -** پیشنهادی در این باب شده است خوانده می شود .

( پیشنهاد مزبور از طرف آقا میرزا رضای مستوفی بمضمون ذیل خوانده شد ) بنده اینطور پیشنهاد میکنم هر يك از سهام باید باعضای مدیر یا دو نفر از مدیران و يك نفر از نظار رسیده باشد

**افتخار الواعظین -** بنده قبول دارم همین قسم نوشته شود .

**رئیس -** رأی میگیریم بماده ۳۸ الحاقی آقایانیکه این ماده را بهین ترتیبی که خوانده شد تصویب میکنند قیام نمایند ( عده قیام نمودند )

**رئیس -** تصویب نشد میماند برای بعد که بیک ترتیب دیگری بنویسند و پیشنهاد بکنند ماده ( ۳۹ ) ( ببارت ذیل خوانده شد )

ماده ۳۹ - اگر سرمایه بیش از صد هزار تومان نیست هر سهم یابرش آن از چهار تومان کمتر نمیتواند باشد اگر سرمایه از صد و بیست هزار تومان کمتر است سهم یابرش سهم از شش تومان کمتر نخواهد بود از دویست هزار تومان بیسالا سهم یابرش باید لا اقل ده تومانی باشد

**حاج آقا -** بنده فلسفه این را نفهمیدم خوب بود آقای مخبر توضیح این را بفرمائید که اگر سرمایه بیش از صد هزار تومان نیست چرا سهم یابرش آن از چهار تومان کمتر نمیتواند باشد ممکن است يك شرکتی تأسیس شود برای تسهیل فروش سهام سهم را کمتر قرار داده باشد و این حکماً باید اینطور باشد و کمتر نباید باشد فلسفه این چیست بفرمائید

**افتخار الواعظین -** فلسفه که دارد این است که کمتر از چهار تومان درد دفتر ثبت و ضبط کردن اسباب اشکال است دیگر فلسفه دیگری لازم نیست داشته باشد

**محمد هاشم میرزا -** این جواب آقای مخبر ابتدا بنده را قانع نکرد اگر بنا بود اسهام متساویه بود این جواب قانع میکرد اما در صورتیکه ممکن است که شرکت دوازده هزار تومان بشود پنج هزار تومان شود و آنقدریکه بالاتر صد تومان معالنی نبود بود و الا جهت ندارد چهار تومان حد افش باشد

**معین الرعايا -** بنده عرض میکنم که هیچ ایرادی بر این وارد نمیشود حد اقلش را معین میکنند باقی دیگرش دست خود شرکت است بنویسند اگر سرمایه صد هزار تومان باشد چهار تومن اقلش کمتر نباشد اختیار دست خود شرکت است میتواند

**معین الرعايا -** بنده عرض میکنم که هیچ ایرادی بر این وارد نمیشود حد اقلش را معین میکنند باقی دیگرش دست خود شرکت است بنویسند اگر سرمایه صد هزار تومان باشد چهار تومن اقلش کمتر نباشد اختیار دست خود شرکت است میتواند

زیاد بکنند دیگر کمتر از آن هم صحیح نیست که یک شرکت صد هزار تومانی یا دویست هزار تومانی سهام او کمتر از چهار تومان باشد.

**حاج سید ابراهیم** - در این ماده که پیش گذشت ورای گرفتیم این بود که ممکن است دارای پنججاه برش در تومانی باشد

**رئیس** - ملاحظه فرمودید آن قسمت را رأی نکرده ایم مذاکرات کافی است رأی میگیریم بماده ۲۹ آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (عده قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد یک ربع ساعت تنفس است (پس از بیست دقیقه مجدداً مجلس منعقد شد)

**رئیس** ماده (۴۰) خوانده میشود (بعبارت ذیل قرائت شد)

ماده (۴۰) - تمام سرمایه باید بقید بطلان قبول شده باشد.

**رئیس** - در این ماده مخالفی هست (اظهاری نشد) رأی میگیریم بماده (۴۰) بطوریکه قرائت شد آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (بعضی قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب نشد.

ماده ۴۱ - بقید بطلان شرکت باید تمام دارندگان سهام وجه آنرا پرداخته باشند در صورتیکه سرمایه بیش از صد هزار تومان نباشد ولی اگر سرمایه از صد هزار تومان بیشتر و از دویست هزار تومان بیابا تا دویست و سه ربع و از دویست هزار تومان بیابا تا دویست و سه ربع سرمایه شرکت را میتوان تشکیل داده که حصه جنسی که باید قبل از تشکیل شرکت تماماً بصرف داده شده باشد.

**آقا محمد پروچردی** - در شور اول عرض کردم یکی از اصل شرکت نقد بودن وجوه سرمایه است که باید نقد باشد و مزوج باهم بشود بطوریکه ممتاز نباشد و اینکه مقنن از صد هزار بیابا تا دویست هزار تومان بیابا را نقد مین کرده است که عجالتاً باید نقد باشد و در باقی مسامحه کرده اند باید دانست که آنقدر را که نقد داده نمیشود شرکت در او منعقد نمیشود و هر قدریکه نقد داده شده است شرکت در آن منعقد نمیشود.

**افتخار الواعظین** - این فرمایشی که

آقا فرمودند واضح بود شرکت در آنچیزیکه نقد نداده اند بدیهی است منعقد نمیشود قانون میگوید باندازه نصف در فلانقدر و باندازه سه ربع اگر سرمایه نقد حاضر شده باشد شرکت در آن اندازه تشکیل میشود پس از مزوج و مخلوط شدن منتهی باقی سرمایه را بعداً خواهند گرفت و مزوج خواهند کرد.

**لواء الدوله** - بنده بقید بطلان را نمیدانم چیست مثل اینکه در خصوص شرکت نامه مصدق اسهامی که مصدق باشد از شرکت نامه غیر مصدق اعتبارش بیشتر باشد سوالی شد آقای مخبر جوابی ندادند قانون باید زبان داشته باشد سابق هم عرض کرده ام خوب است آقای مخبر یک توضیحی بدهند که بدانیم مراد از بقید بطلان چیست.

**افتخار الواعظین** - در حد و مصدق کردن که گذشت ورای دادند و ترتیب مصدق کردن را هم در آنمواد معنی کرده اند معالیه بفرمائید آنمواد

را معلوم میشود اما قید بطلان اصطلاحی است در این قانون معنی اینست که اگر این قید مراعات نشد شرکت باطل است.

**رئیس** - مذاکرات کافی است رأی میگیریم بماده چهارم و یک آقایانیکه این ماده را بطوری که قرائت شد تصویب می نمایند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند).

**رئیس** - تصویب شد.

**افتخار الواعظین** - در ماده چهارم بعضی از آقایان ملتفت نبودند باین جهت اکثریت حاصل نشد چنانچه یک مرتبه دیگر بخوانند ورای بگیرند تصویب خواهد شد.

**رئیس** - مشکوک نشد تا اینکه بتوانیم در مرتبه رأی بگیریم ۲۷ نفر از ۶۸ نفر نمایندگان حاضر رأی دادند ممکنست حالا عبارت را یک تفسیری بدهند در جلسه دیگر رأی بگیریم ماده ۴۲ خوانده میشود.

ماده ۴۲ - حصه جنسی باید بتوسط مدیران شرکت تقدیم شده بقید بطلان به تصدیق مجلس دارنده کان سهام برسد.

**رئیس** - مخالفی نیست رأی میگیریم بماده ۴۲ آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند).

**رئیس** - تصویب شد ماده ۴۳.

ماده ۴۳ - در مجلس اساسی صورت تقویم مدیران شرکت پیشنهاد میشود چند نفر به تصویب مجلس برای رسیدگی بتقویم جنس معین میشوند مقومین پس از رسیدگی راپورت کتبی بجای می دهند در ثانی منعقد خواهد شد می دهند مجلس پس از قرائت راپورت که طبع و توزیع شده است رأی خود را میدهند و میتواند مجدداً حکم به تقویم نماید راپورت حقوق باید لااقل سه روز قبل از اجلاس ثانوی دارندگان سهام در دفتر شرکت حاضر باشند که هر کسی میخواهد رجوع نماید.

**لواء الدوله** - گمان میکنم آنقدرها سبک نباشد اگر بنده عرض کنم نمیدانم اینجا میگوید در مجلس اساسی صورت تقویم قیمت مدیران این را نمیشود بطور اطلاق گذاشت بجهت اینکه قدر قیمت ندارد و قیمت نمیشود باید اینجا نوشته شود که در صورت قیمت مدیران.

**رئیس** - دیگر مخالفی نیست رأی میگیریم بماده ۴۳ آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد ماده ۴۴.

ماده ۴۴ - برای صحت تشکیل شرکت مدیران شرکت باید در وزارت تجارت در حضور پنج نفر از تجار معتبر شهر اظهار نمایند که تمام سرمایه قبول و موافق ماده (۴۱) تأدیبه شده است صورتی از شرکاء با صورتی از وجوه تأدیبه شده بانضمام شرکت نامه مصدق بوزارت تجارت و پنج نفر شاهد ارائه میشود اظهار نامه که حجابی تمام این مطالب باشد بقید بطلان باید سه نسخه نوشته شده بامضای وزیر تجارت و یکی از محاضر شرع و پنج نفر شاهد برسد یک نسخه در دفتر وزارت تجارت یک نسخه در دفتر شرکت و یک نسخه

دیگر در وزارت عدلیه ضبط شود و بهر يك از این سه نسخه باید نسخه از تصدیق مجلس سهام در باب حصه جنسی منضم باشد

**حاج وکیل الرعایا** - يك اصلاح کوچک مختصری است بجای پنج نفر از تجار معتبر نوشته شود پنج نفر از تجار متدین

**حاج آقا** - بنده مخالفتم راجع باین است که این ماده ناقص است در حقیقت این ماده که اینجا نوشته شده است این حکم شرکتی است که در مرکز تأسیس شده و حکم در ولایات تأسیس میشود نوشته که در کجا اینکار را میکنند باید راجع بولایات هم همین شود یا تعمیم بر مرکز و غیر مرکز داده شود

**کاشف** - وقتیکه قید شد در حضور پنج نفر از تجار بنده پنج نفر شاهد را دیگر زائد میدانم دیگر بملاوه آن پنج نفر شاهد دیگر لازم نیست.

**افتخار الواعظین** - مراد از پنج نفر شاهد پنج نفر از تجار معتبر است ماده بعد را که ملاحظه بفرمائید معلوم خواهد شد.

**آقا شیخ ابراهیم زنجانی** - اینجا نوشته شده است که اظهار نمایند که تمام سرمایه قبول و موافق ماده (۴۱) تأدیبه شده است و حال آنکه در ماده فوق گفتیم در بعضی دولتک و در بعضی نصف این لفظ شامخوب است برداشته شود.

**افتخار الواعظین** - این تمام راجع بقبول است که موافق ماده ۴۱ تأدیبه شده است یعنی اگر دولتک است دو دولتک اگر نصف است همان تأدیبه شده.

**رئیس** - دیگر مخالفی نیست رأی میگیریم بماده ۴۴ آقایانیکه این ماده را بطوریکه قرائت شد تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند).

**رئیس** - با اکثریت تصویب شد ماده ۴۵ ماده در ولایات مراتبی که راجع به وزارت تجارت است در نزد (امین تجارت) اگر باشد و حکومت والا نزد حاکم شهر بعمل آمده و اظهار نامه بجهت آن نوشته میشود که یکی از آنها در دفتر حکومت ضبط و مابقی موافق ماده فوق بجایهای لازم داده میشود و اگر شرکت در شهرهای متعدد شبه دارد برای هر يك از آنها یک نسخه اظهار نامه و یک نسخه تصدیق مجلس سهام نوشته شده بحکومت محلیه فرستاده میشود که در دفتر ضبط شود.

**حاج امام جمعه** - اینجا امین تجارت گویا مرادشان امین وزارت تجارت است خوب است درست توضیح کنند.

**افتخار الواعظین** - مراد همان است چنانچه مراد امین عدلیه امین وزارت عدلیه است.

**رئیس** - دیگر مخالفی نیست رأی میگیریم بماده ۴۵ آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند).

**رئیس** - تصویب شد ماده ۴۶

ماده - اظهار نامه و تصدیق وجه جنسی باید موافق ماده ۲۷ اعلان شود

**رئیس** - مخالفی نیست رأی میگیریم بماده ۴۶ آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند).

**رئیس** - تصویب شد ماده ۴۷

ماده ۴۷ - اسنادی که موافق ماده ۴۴ و ۴۵ در جاهای لازم ضبط شده است هر کسی حق دارد برای ارائه آن بجایهای مزبور رجوع نماید.

**افتخار الواعظین** - اینجا يك اصلاحی است باید بشود مرقوم فرمائید (هر کسی حق دارد برای رؤیت آن الی آخر).

**میرزا ابراهیم خان** - بنده کلمه مخالف کلمه هر کس این عبارت چنین میفهماند یعنی هر کسی از شرکاء غیر شرکاء حق دارند باین جهت پیشنهاد میکنند نوشته شود هر يك از شرکاء.

**افتخار الواعظین** - ضرری ندارد بهمین طور بنویسید.

**حاج شیخ علی خراسانی** - اینجا اشتباه کردند لفظ هر يك از شرکاء را نوشته اند و باید هر کسی نوشته شود بجهت اینکه اسنادیکه موافق ماده ۴۴ و ۴۵ در جاهای لازم ضبط شده اسنادی است که صحت تشکیل شرکت را میرساند و میخواهند سهم بر دارند آن اسناد راجع بخود شرکت است هنوز مردم اسنادش را که دالک نمیکند بر صحت شرکت ندیده اند تا اینکه سهم بخرند پس این رؤیت راجع به هر کس است نه راجع به هر يك از شرکاء

**رئیس** - مذاکرات کافی است اگر ایرادی دارید پیشنهاد بکنید رأی میگیریم بماده ۴۷ ترتیبی که قرائت شد آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد ماده ۴۸

ماده ۴۸ - علاوه بر شرایطی که برای صحت تشکیل شرکت ذکر شد باید مجلس دارنده کان سهام هیئتی موسوم به هیئت ناظره که عهده آن از ۳ نفر کمتر نباشد از میان شرکاء و غیر مسئول منتخب نمایند هیئت مزبوره که هر ساله تجدید انتخاب میشود موافق ماده در ولایات مراتبی که راجع به وزارت تجارت است در نزد (امین تجارت) اگر باشد و حکومت والا نزد حاکم شهر بعمل آمده و اظهار نامه بجهت آن نوشته میشود که یکی از آنها در دفتر حکومت ضبط و مابقی موافق ماده فوق بجایهای لازم داده میشود و اگر شرکت در شهرهای متعدد شبه دارد برای هر يك از آنها یک نسخه اظهار نامه و یک نسخه تصدیق مجلس سهام نوشته شده بحکومت محلیه فرستاده میشود که در دفتر ضبط شود.

**رئیس** - در این ماده مخالفی نیست آقایانیکه این ماده را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند).

**رئیس** - تصویب شد ماده ۴۹

ماده ۴۹ - موافق ماده ۳۸ و ۴۰ الی ۴۸ اساسی است یعنی هر کدام از این شرایط رعایت نشود شرکت تشکیل نشده محسوب میشود و اگر از این بابت ضرری بشرکاء و یا اشخاص خارج وارد آید خسارت وارده بر عهده مدیران شرکت و اشخاصی که در این امر مسئول هستند خواهد بود.

**ازرباب کیخسرو** - ذکر موافق در اینجا معیناً بنده صحیح نمی دانم چون بعضی موافق گفته است مگر اینکه در ضمن رأی قید شود که هر يك از آن مواد که تصویب شد در اینجا نوشته شود والا ممکن است بعضی از آن مواد که در اینجا نوشته شده است نگذرد

**افتخار الواعظین** - ماده که نگذشته باشد همان ماده چهارم است و البته هر طوریکه ماده چهارم تغییر داده شد این ماده شامل آن هم خواهد بود

**رئیس** - دیگر مخالفی نیست رأی میگیریم بماده ۴۹ بطوریکه قرائت شد آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد ماده (۵۰) ماده ۵۰ - مدیر یا مدیران شرکت برای مدت معینی از میان شرکاء مسئول بانتخاب معین میشوند

**حاج شیخ اسدالله** - بنده تصور میکنم که این ماده مراجع بانتظام شرکت است باید در نظام نامه شرکت نوشته شود و در قانون نوشتن این زائد است در نظامنامه باید نوشته شود که مدیر همان موقع معین حق کار را دارد دیگر نوشتن در قانون لازم نیست

**افتخار الواعظین** - تعیین راجع بنظامنامه است ولی اینکه سواى يك مدت معینی باشد این جزء قانون است و باید اینجا نوشته شود

**ازرباب کیخسرو** - بنده این قید را این جا اصلاً زائد می دانم يك وقتی شرکتی تشکیل می نمایند که آن شرکاء فقط پول میدهند و هیچ شخصی کافی که بتواند این شرکت را اداره بکند در میانشان نیست آن وقت گذشتن این ماده باین ترتیب مانع میشود برای يك چنان کاری و عقیده بنده این است که آن وقت شرکت يك شرکت بی اساسی خواهد بود.

**افتخار الواعظین** - بنده آقای ازرباب نظرشان متوجه است باینکه شخص مدیر باید يك شخص کافی عالم بتجارت باشد و فرق نمیکند که آن وقت این شخص از شرکاء مسئول باشد یا غیر مسئول ولی این جا برای این که بهتر شرکت را حفظ کند و بیشتر دل سوزی کنند و منافع تجارت را بیشتر ملاحظه بکنند گفته اند که بهتر است از شرکاء مسئول باشد بجهت اینکه مبادا اگر ضرری وارد شود بیشتر کار شرکت قرض دار شود بر عهده او خواهد بود و فردا اسباب زحمت او فراهم خواهد شد و البته او بهتر محافظت میکند از یک شخص خارجی که مسئول نباشد و از خارج آمده آنجا نشسته باشد برای استحقاق امزش شرکت این بهتر خواهد بود.

**حاج آقا** - بنده آقای مخبر فرمودند بجهت چوچه قائم نمیکند ما را که يك همچو قانونی را در اینجا بگذرانیم بواسطه اینکه آقایان همه میدانند که معنی مدیر آن کسی است که همه اختیار شرکت را بدست او میسپارند که بصورت در تجارت داشته باشد حالا ممکن است این شخص از بین شرکاء مسئول انتخاب شود ممکن است از شرکاء غیر مسئول و ممکن است هیچک از شرکاء قابل اداره کردن نباشند بکنند در اینجا بیآورند و اداره شرکت را با او سپارند اینست که بنده لازم میدانم این قید بشود که از شرکاء مسئول باین غیر مسئول هیچکدام لازم نیست نوشته شود این يك چیزی است که اگر خود شرکاء لازم دانستند که مدیر از شرکاء باشد از خود شرکاء انتخاب میکنند اگر لازم دانستند از خارج استخدام کنند از خارج بیآورند این يك چیز قانونی نیست که مادد اینجا بنویسیم.

**افتخار الواعظین** - بنده عرض می کنم راست است باید بکنند عالم کافی باشد و بدیهی است برای مدیری يك شرکت بزرگ يك آدم خارج از تجارت و بی اطلاع را انتخاب نخواهند کرد ولی اینکه اینجا عرض کردم باید از شرکاء مسئول باشد

**افتخار الواعظین** - بنده عرض می کنم صاحب اختیار شرکت همان شرکاء مسئول هستند میگوئیم خودشان تصدیق میکنند که يك مدیر خارجی بیآورند و دست و پای شرکت را نباید بدست در اداره کردن شد شرکت مختار باشد و بنفید را از اینجا باید حذف کرد.

بدیهی است که بهتر بیشتر حفظ منافع این شرکت را میکند تا اینکه يك آدم خارجی را گفته باشند آقا شما بیاید این شرکت را اداره کنید و ماهی ۲۰۰ تومان بگیرد اعم از اینکه نفع یا ضرر بشود و مردم هم که طرف معامله میشوند وقتی که به بینند مدیر از شرکاء مسئول شده است و این شکل دلسوزی دارد بیشتر بآن شرکت اعتماد میکنند و آن شرکت محل توجه و اعتنا میشود تا یکمدتی که از خارج بیاید.

**ازرباب کیخسرو** - بنده خیلی از فرمایشات آقای مخبر تعجب می کنم آیا هیچ مدیری نخواهد شد که از شرکاء مسئول باشد و دلسوزی نداشته باشد اینجا که شرح و بسط میدهد اساس شرکت را برای آسایش آنهاست و بنده عرض میکنم آنها که طرف واقع میشوند باید شرکت یار مقام تشکیل شرکت هستند منافع خودشان را خیلی خوب منظور دارند آنها می بینند اگر بین خودشان کسی است که کارش کترا اداره بکند او را انتخاب میکنند والا اگر به بینند که در بین خودشان يك چنین کسی نیست و کسی دیگر هست که بهتر از آنها اداره میکنند و منافع آنها را بهتر حفظ می کنند او را میآورند و مدیر قرار میدهند و بنده عقیده ام این است که این ماده را اگر اینجا تصویب بکنیم دست و پای شرکت را خواهد بست و آن شرکت که باین ماده مقید باشد بی اساس خواهد بود.

**میرزا یانیس** - بنده تصور میکنم آقایانیکه اقتدر در این ماده مذاکره میکنند بجهت يك سوء تفاهمی است که حاصل شده است و آنمدیری که در اینجا ذکر شده است نه آنمدیری است که کار های شرکت را اداره میکند مقصود آنکس است که اختیارات شرکت با اوست حالا از قراری که بعضی از آقایان میفرمایند صحیح است ممکن است خودشان بصیرت صحیح در امور شرکت نداشته باشند ولی ممکن است اینجنق را بیک شخص ثالث بدهند که آن شخص مستخدم باشد و همیشه آن شخص در تحت نظریات و تحت دلسوزی و اختیارات داری این مدیری که اینجا نوشته شده است شرکت را اداره بکند

**حاج شیخ اسدالله** - گویا آقای میرزا یانیس اشتباه کرده اند و این عبارت را باید توضیح کرد عبارت میگوید مدیر شرکت مدیر آنکس است که شرکت را اداره میکند و اینجا معین میکنند که باید آن شخص از خود شرکاء مسئول باشد و نمیشود از خارج شرکت باشد اینجا بعضی مذاکرات شد خیلی هم صحیح فرمودند که شاید شرکت محتاج باشد باشخاص خارج که بیورند آنها را بیآورند برای اداره کردن شرکت اگر چه مشورات اصل این شرکت بعهد خود آنها است ولی میورند این شخص را برای استخدام شرکت میآورند اما مشوریت خود پول بخود آنهاست ولی خود آنها تصدیق میکنند که آن شخص خارج بجهت آنها بهتر اداره می کند حالا در خصوص اینکه صاحب اختیار شرکت همان شرکاء مسئول هستند

میگوئیم خودشان تصدیق میکنند که يك مدیر خارجی بیآورند و دست و پای شرکت را نباید بدست در اداره کردن شد شرکت مختار باشد و بنفید را از اینجا باید حذف کرد.

حذف کرد.

حذف کرد.

حذف کرد.

حذف کرد.

حذف کرد.

حذف کرد.

حذف کرد.

حذف کرد.

**افتخار الواعظین** - در باب اینماده در کمیسیون خیلی مذاکرات شد و گمان میکنم اگر بنده عرایض ناقص است هیچ مربوط نیست باینماده لکن باز عرض میکنم که بعضی فرمایشات اجتهاد مقابل نمی است و از آقایان باب سئوال میکنم که اگر جناب عالی بدانند که یک کسی که طرف معامله است با مردم بنام شرکت و در یکماده هم نوشته ایم که اختیارات مدیر یا مدیران را نمی توان محل نوشت و در شرکت نامه باید حدود آنرا معلوم کرد پس اداره کنسنته آن شرکت مدیر است و بنام شرکت با مردم طرف معامله میشود لکن از خودشان سئوال می کنم که اگر یکشرکتی باشد که یک آدم خارجی را در آن آورده باشند اجیر کرده باشند و او یک مواعبی از طرف شرکت بدهند او بیشتر بنام شرکت توجیه خواهد کرد باینکه کسی که خودش از شرکت مسئول است و مبلغی سرمایه دارد و از شرکت مسئول بلحاظ است و میداند که اگر چنانچه خسارتی و قرضی بشرکت وارد شد او ذمه دار است آنوقت شما بناو بیشتر اعتماد دارید باینکه مدیر خارجی .

**رئیس** - مذاکرات کافی نیست (اظهار کردند کافی است)

**رئیس** - دو فقره اصلاح رسید است فرائت میشود (بترتیب ذیل فرائت شد) از طرف حاج شیخعلی - بنده پیشنهاد میکنم ماده (۵۰) اینطور نوشته شود مدیر یا مدیران شرکست برای مدت معین باننخاب معین میشود

از طرف حاج عزالمالک - ماده ۵۰ مدیر یا مدیران شرکست برای مدت معین باننخاب شرکاه معین میشود .

**افتخار الواعظین** - اینماده با پیشنهاد ما بکمسیون برگردد

از طرف حاج آقا - ماده ۵۰ مدیر یا مدیران شرکست برای مدت معین باننخاب شرکاه معین خواهد شد

**رئیس** - اینماده با پیشنهادها تیکه شده است بر میگردد بکمسیون جمعی از آقایان هم چون کاری دارند تقاضا کرده اند جلسه زودتر ختم شود اگر مخالفی نباشد بقیه شور این قانون بماند بجلسه آتی

دستور پنجمین قانون شرکتهای راپورت کمیسیون بودجه راجع بهشتاد و نه هزار تومان برگشتی از بودجه دربار راجع به ریاضی که از ولایات رسیده است مربوط بامتداد مجلس راپورت کمیسیون بودجه راجع باریاب لطف الله و ابتهاج السلطنه قانون منع اختکار راهم جزء دستور میگذاریم

**دکتر سعیدالاطبا** - راپورتی از کمیسیون فوائد عامه آمده است بنده تصور میکنم جزء دستور گذاشته میشود حالا تقاضا میکنم جزء دستور پنجمین گذاشته شود .

**رئیس** - چون معلوم نیست که چند جلسه مانده است باخر دوره تقنینیه مجلس باننجه خوب است آقایان روز پنجمین فدری زود تر تشریف بیاورند سه ساعت ونیم بفرودمانه حاضر باشند در اینوقت که بیست دقیقه از شب گذشته است رئیس حرکت کرد مجلس ختم شد

**جلسه ۴۱۹**

**صورت مشروح یوم پنجشنبه ۱۷**

**شهر ذی القعدة الحرام ۱۳۲۹**

رئیس (آقای مؤتمن الملك) - ساعت وربع قبل از غروب بجای خود جلوس نموده و پس از بیست دقیقه مجلس افتتاح شد - صورت مجلس روز سه شنبه را آقای آقا میرزا رضاخان نائینی قرائت نمودند

جلسه سه شنبه - دکتر اسمعیل خاں وحسنعلیخان بدون اجازه آقای طباطبائی با اجازه غائب بودند آقای سیدمحمد باقر ادیب و آقا میرزا علی اکبرخان دمخدا مریض بودند آقایانیکه از وقت مقرر تاخیر در حضور کرده اند میرزا یانس دوساعت ونیم حاج امام جمعه و آقا سید حسن مدرس یکساعت و ۲۵ دقیقه دکتر امیرخان یکساعت آقا میرزا قاسم خان آقا میرزا رضای مستوفی - ناصر الاسلام هر یک نیم ساعت

**رئیس** - قانون منع اختکار راهم بتقاضای آقای ادیبالتجار جزء دستور کرده بودیم اینجانب فراموش شده است غیر از این ملاحظاتی هست (اظهاری نشد)

**رئیس** - ملاحظاتی نیست صورت مجلس تصویب شد قانون شرکتهای تجارتهی از ماده (۵۱) ماده (۵۱) هیئت نظار پس از انتخاب هر چه زودتر منعقد شده و در شرایط تشکیل شرکت رسیدگی کرده اگر بعضی از آن ها رعایت نشده است مدیر آنرا ملتفت این امر نموده و در صورت امتناع یا مسامحه آنان مجلس صاحبان سهامرا منعقد و مراتب را اطلاع میدهند و در صورت تغلف امضاء هیئت ناظره با مدیران شرکت در تأدیبه وجه خسارت شریک خواهند بود

**ارباب کبخسرو** - بنده این عبارت هرچه زودتر راقانونی نمی دانم برای اینکه همچو میفهمند که دیرهم ممکن است این امررا انجام بدهند باید معین شود که بعد از انتخاب تاجه مدت هیئت نظار منعقد خواهد شد که خیلی طول میکشد برای اینکه هر چه زود را نمی توان مدت فرض کرد و بنویسیم هرچه زودتر باید تشکیل شود

**افتخار الواعظین** - اینجا بملاحظه اینکه همین شکلی که فرمودید تاخیر در اینکار نشود و موقت بشود این است که نوشته ایم که پس از آنکه مجلس اساسی منعقد شد هرچه زودتر این امررا انجام بدهند هیئت نظار را معین کنند حالا اگر کلمه باشد که از هرچه زودتر بهتر باشد بفرمایند اگر صلاح میدانند بنویسند فوراً

**حاج سعید ابراهیم** - اگر فوراً فرود آید کنش عرضی ندارم

**رئیس** - قبول میکنید

**مخبر** - به قبول میکنم فوراً نوشته شود مجدداً ماده باصلاح قرائت شد

**رئیس** - در ماده (۵) دیگر مخالفی نیست آقایانی که ماده ۵۱ را بهمین ترتیب که قرائت شد تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد ماده ۵۲ از راپورت جدید

ماده ۵۲ - هیئت ناظره مأمور تقنین و نظارت است و از این جهت حق دارد بدفاتر و صندوق و اسناد و نوشتجات شرکت رسیدگی کرده و هر نوع اطلاعی که لازم دارد از مدیران مطالبه نماید و مدیران باید در رأس هر ۳ ماه صورتی از قروض و دارائی شرکت به هیئت ناظره بدهند .

**حاج سعید ابراهیم** - بنده هر ۳ ماه را خیلی کم میدانم باید هر ۶ ماه باشد بجهت اینکه معاملات زود انجام نگیرد که در هر ۳ ماه راپورت بدهند و خیلی هست که از ۳ ماه اول سه ماه دوم مبادت گمان میکنم که ۶ ماه بنویسید بهتر است .

**افتخار الواعظین** - اینجا نوشته ایم از کلیه معاملات شرکت راپورت بدهند که آقای حاج سید ابراهیم گمان بفرمایند اسباب زحمت خواهد بود و ممکن نیست راپورت از آنها داد بکنه نوشته ایم صورتی از دارائی و قروض شرکت و البته معلوم است که در هر ۳ ماه ممکن است دانست که قرض شرکت چقدر و دارائی شرکت چقدر است و آن راپورت مشروخی که ایشان نظرشان هست آنرا نوشته ایم که هر ۶ ماه بشش ماه بدهند .

**آقا میرزا احمد** - در این ماده و مواد بعد که میآید لفظ مدیر باید اضافه شود مدیر یا مدیران بهمان دلایلی که مکرراً اینجا گفته شده است و این کلمه از اینجا افتاده است .

**معین الرعایا** - قروض شرکتی وقتی معلوم میشود که تمام حساب او را بدقت برسد و این زحمت فوق العاده است برای شرکت که در هر ۳ ماهی باین کار برسد و عقیده بنده این است که ۶ ماه باشد همانطوریکه فرمودند بهتر است .

**افتخار الواعظین** - ماده ۵۳ را ملاحظه بفرمایید که پس از این ماده است آن راپورت مشروخی را که میفرمائید عرض کردم سالی یکمرتبه است این فقط یک صورت مختصری است از قروض و دارائی شرکت کدر هر ۳ ماه سه ماه معین میشود که دارائی شرکت چقدر و قروضش چقدر است و این قدر اسباب زحمت نیست .

**رئیس** - دیگر مخالفی نیست رای میگیریم بنده ۵۲ با اضافه لفظ مدیر قبل از مدیران آقایانیکه تصویب می کنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد ماده (۵۳) ماده ۵۳ - هر ساله مدیران شرکت راپورت مشروخی که متضمن صورتهای ذیل باشد مرتب خواهند کرد اولاً صورتی از اموال منقوله و غیر منقوله شرکت باننخاب قیمت آن (ثانیاً) صورتی از مطالبات و قروض شرکت (ثالثاً) صورتی از تعهدات شرکت (رابعاً) صورتی از حساب و ضرر راپورت مزبور طرز تقسیم برنج بطور صحیح معین و اصلاحات یا اقداماتی که برای پیشرفت امور شرکتی صلاح میدانند متذکر میشوند ( این راپورت باید پیشنهاد مجلس سهام بشود )

**رئیس** - در راپورت مزبور طرز تقسیم برنج (در) افتاده است .

**آقا محمد** - عرض بنده این است که وقتیکه صورت مشروح نوشته میشود این نوشتن مطالبات و قروض را در یک صورت صحیح نیست بعضی از دفتر های تجار را دیده ام که مطالباتشان علیحده مینویسند و قروض را

مخصوصاً خیلی مختصر میدانند عقیده بنده این است که صورتی برای مطالبات جداگانه و صورتی برای قروض جداگانه باشد بلکه عقیده بنده این است که دخل و ضرر راهم اینجا یک صورت نوشته اند آنرا هم دو صورت بنویسند .

**افتخار الواعظین** - ملتفت نشدم عرض آقا این است که در هر کاغذ نوشته شود یا در دو صفحه که متمایز از هم باشد بدیهی است این را در دو صفحه که متمایز از هم بدیدگر باشند در یکی صورت مطالبات و در یکی صورت قروض را واگذار دخل و ضرر را برای اینکه صاحبان سهام بدانند دخل و ضرر شرکت چقدر است قروض و مطالباتش چقدر است دخل کرده است یا ضرر کرده است مقصود آقا هم همین است .

**کاشف** - این لفظ تعهدات بشرکت را توضیح میخوام بفرمایند که یعنی چه .

**افتخار الواعظین** - مراد از تعهدات این است که شرکت بیک تجارتخانه قول یا سند میدهد که تا سه ماه دیگر بشما فلا نقدر قند خواهم فروخت یا فلان مقدار فرش از شما خواهم خرید مقصود از تعهدات شرکت این است .

**آقا محمد** - عرض بنده معلوم نشد چون اینجا دقعه نموده اند میگویند صورتی موافق ذیل باید بدهند اولاً از اموال منقوله و غیر منقوله شرکت با تعیین قیمت آن ثانیاً از مطالبات و قروض شرکت ثانیاً صورتی از تعهدات شرکت رابعاً صورتی از حساب دخل و ضرر و چیزی که فرض بنده است این است این را باید در دو دفتر بنویسند یکی قروض و مطالبات یکی دخل و ضرر .

**ارباب کبخسرو** - گمان میکنم که این ایراد آقای آقا محمد هیچوجه وارد نباشد برای اینکه شمس تاجر خودش بهتر میدانند که چه جور دفترش را مرتب بکنند اینها تمام دفتر علیحده دارد مجلس نمیتواند بنویسد که فلان دفتر چه شکل نوشته شود و بطور باشد اینها تکلیف خود تجارتخانه است فقط اینجا معین کرده است که چه صورتی باید بدهند مسلماً در وقت استخراج هر کس میدانند که هر کدامی را از کجا استخراج میکنند و چه جور بنویسد

**حاج شیخ اسماعیل** - عرض بنده اصلاح عبارتی است عرض میکنم بنویسند (متذکر میشوند) متذکر از باب تغفل است تذکر هم چون استعمالش کم است خوب نیست بنویسند یادآوری میشود .

**رئیس** - مذاکرات کافی نیست (گفته شد کافی است)

**رئیس** - رای میگیریم بنده ۵۳ با اضافه لفظ مدیر قبل از مدیران آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد ماده ۵۴ از راپورت اولی ماده ۵۴ - هیئت ناظره در آخر هر سال راپورتی بمجلس دارندگان سهام داده اگر در مطالب اظهاریه مدیر یا در باب جمع و خرج و عایدات شرکت و تقسیم منافع ایرادی دارند معین کرده اگر از طرف مدیر یا مدیران قصوری بعمل رسیده است همچنین که تصویب شرکتی را در راپورت مزبور اظهار خواهد کرد .

**رئیس** - در ماده ۵۴ کسی مخالف نیست اظهار

کردند خیر

**رئیس** - رای می گیریم بنده ۵۴ آقایانیکه تصویب می کنند قیام نمایند (اغلب قیام کردند)

**رئیس** - تصویب شد ماده ۵۵ از راپورت جدید ماده ۵۵ راپورتهای مدیران شرکت و هیئت نظار باید لااقل یازده روز قبیل از روز انعقاد مجلس سهام در دفتر شرکت حاضر باشد که هر یک از دارندگان سهام که بخواهند بتوانند قبل از وقت مراجعه نمایند فرار داد مجلس سالیانه در صورتیکه موافق مواد پنجاه و چهار و پنجاه و پنج قبل راپورتی از هیئت ناظره داده نشده باشد باطل خواهد بود .

**رئیس** - در ماده ۵۵ مخالفی نیست آقایانیکه این ماده را تصویب می کنند قیام نمایند (اغلب قیام کردند)

**رئیس** - تصویب شد ماده ۵۶ از راپورت قدیم ماده ۵۶ مجلس صاحبان سهام بر ۳ قسم است اساسی معمولی و فوق العاده مجلس اساسی در بدو تشکیل شرکت برای رسیدگی بشرايط صحت آن برای انتخاب اعضای هیئت ناظره تقویم حصه جنسی منعقد میشود مجلس معمولی سالی چند مرتبه موافق قرارداد شرکت نامه که نمایان از دو مرتبه کمتر باشد برای استماع راپورت مدیر یا مدیران و هیئت نظار منعقد میشود مجلس فوق العاده برای مواقعی است که هیئت ناظره لازم میدانند در مواقعی که نظامنامه شرکت معین کرده است .

**رئیس** - در آخر ماده ۵۶ عبارتی اضافه شده است قرائت میشود (مجدداً ماده با اضافه مزبوره بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۵۶ - مجلس صاحبان سهام بر ۳ قسم است اساسی معمولی و فوق العاده مجلس اساسی در بدو تشکیل شرکت برای رسیدگی بشرايط صحت آن و برای انتخاب اعضای هیئت ناظره و تقویم حصه جنسی منعقد میشود مجلس معمولی سالی چند مرتبه موافق قرارداد شرکت نامه که نمایان از دو مرتبه کمتر باشد برای استماع راپورت مدیر یا مدیران و هیئت نظار منعقد میشود مجلس فوق العاده برای مواقعی است که هیئت ناظره لازم میدانند یا در مواقعی که نظامنامه شرکت معین کرده است هر گاه شرکاتی که دارای تن سرمایه باشد تقاضا کند هیئت ناظره باید مجلس فوق را منعقد نماید .

**بهجت** - مقصود بنده این بود که توضیحی از آقای معین بخواهم که در صورتی مجلس دارندگان سهام معین میشود که شرایط تشکیل آن مختلف باشد ولی اینکه ما میگوئیم مجلس سهام در زمانهای مختلفه منعقد میشود یکی قبل از تشکیل شرکت یکی در بدو تشکیل شرکت یکی بعد از تشکیل بطور فوق العاده این در معنی مجلس سهام را سه قسم نمیکند فقط این مجلس های صاحبان سهام است که در زمانهای مختلف تشکیل میشود منتهی تغییر زمانی دارد و اگر گفتیم سه قسم است باید شرایط تشکیل را هم اینجا معین کنیم که شرایط مجلس که برای رسیدگی بشرايط و برای انتخاب اعضای هیئت ناظره است چیست شرایط تشکیل مجلس معمولی چیست شرایط مجلس فوق العاده چیست یعنی برای

آن اشخاصیکه معین میکنند و برای هر مجلس يك ميز و مشخص معین بشود و بآن جهت سه قسم بشود و الا مجلس دارندگان سهام یکی است که در سه زمان منعقد میشود .

**افتخار الواعظین** - در اینکه مجلس صاحبان سهام در سه وقت مختلف منعقد میشود این را هیچ حرفی نیست و این دلیل نمیشود که بر سه قسم هم نباشد بلکه در سه وقت منعقد میشود مهلهای ۳ قسم است یکی مجلس اساسی است که اگر چنانچه آن مجلس منعقد نشود و بشرايط تشکیل شرکت رسیدگی نکنند و تقویم حصه جنسی نکنند انتخاب هیئت نظار را نکنند شرکت منعقد و تشکیل نمیشود مجلس معمولی سالی دو مرتبه لااقل برای استماع راپورت مدیر یا مدیران و هیئت نظار منعقد میشود و مجلس فوق العاده برای وقتی است هیئت نظار لازم میدانند یا شرکاتی که دارای تن سرمایه باشند تقاضای انعقادش را بکنند این در سه وقت مختلف منعقد میشود و سه وظیفه مختلفه دارد و سه مجلس است .

**حاج شیخ اسماعیل** - میگوید مجلس صاحبان سهام بر سه قسم است و آن وقت تقسیم میکنند آن سه قسم را در چند مورد (معین و حال آنکه سابق گذشت که شرکاه غیر مشمول هیچوجه حق دخالت در امور شرکت ندارند و اینجا دارد آنها را دخالت در امر شرکت میدهد و این با آن مقصود منافی است بجهت اینکه دارندگان سهام بعضی مشمول هستند برای آنکه آنها مؤسسين این شرکت هستند و بعضی هستند که مشؤل نیستند فقط سهمی از این سهام را خریده اند آنها دیگر حقی ندارند که حاضر بشوند و مجلس تشکیل بدهند و این دخالتی که در اینجا نوشته است بآنها بدهند بنده عقیده ام اینستکه صاحبان سهام را معین کنند که از شرکاه مشؤل حق انعقاد مجلس داشته باشند نه صاحبان سهام غیر مشؤل و الا این ماده منافی با آن ماده پیش است .

**افتخار الواعظین** - گویا اشتباه فرمودند بجهت اینکه در مواد سابقه گفتیم که هر گاه غیر مشؤل حق دخالت کردن در اداره کردن و معاینه کردن برای شرکت ندارند ولی آمدن مجلس را منعقد کردن خود مجلس راپورت مدیر یا مدیران و هیئت ناظره را گوش دادن و بشرايط تشکیل شرکت رسیدگی کردن و تقویم حصه جنسی را کردن مداخله نیست و سلب این حق را در اینجا از آنها نکردیم و مراد از صاحبان سهام مطلق صاحبان سهام است اعم از مؤسسين شرکت و غیر مؤسسين و ابداً مخالفی با آن ماده ندارد بجهت اینکه در آنماده گفتیم که شرکاه غیر مشؤل در اداره کردن شرکت یعنی خرید و فروش حق مداخله ندارند یعنی حق ندارند خودشان خرید و فروش شرکت را بکنند اینک کلیه حق نداشته باشند در امر شرکت دخالت بکنند .

**رئیس** - رای میگیریم بنده ۵۶ آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد ماده ۵۶ الحاقی از راپورت جدید

ماده ۵۶ الحاقی - در موقع انعقاد مجلس سهام ورقه که متضمن اسامی صاحبان سهام و محل اقامت

و عده سهم‌برک از آنان باشد مرتب‌شده و بامضای هیئت‌رئیس مجلس سهام رسیده و برای مراجع‌هریک از اعضای مجلس حاضر خواهد بود.

**رئیس** - يك نظر می‌باشد اینجا افتاده است اسامی صاحبان سهام اسمی (مجدداً) با اضافه اسمی قرائت شد.

**بهجت** - بنده میخواستم عرض کنم سهام‌اسمی لفظ اسمی اضافه‌شود حالا که شد باید مقدم بشود در موقع انعقاد مجلس سهام اسمی.

**افتخار الواعظین** - خیر اینجا مراد انعقاد مجلس سهام است مطلقاً ام از اینکه سهام اسمی باشد یا غیر اسمی در موقع انعقاد مجلس سهام که باید در آن موقع سند چاپ بکنند سهام اسمی چاپ بکنند.

**بهجت** - گویا اینجا اشتباه میشود ممکن نیست که در يك شرکت دو قسم سهام باشد یکی اسمی و یکی عامی اگر شرکت عامی شد آنوقت شرکت اسمی تلقی نمیکرد و اگر مجلس صاحبان سهام اسمی شد آنوقت این شرط نیست بآنها به‌میل نیاید اگر مرادشان این نیست توضیح بدهند تا مطلب معلوم شود.

**افتخار الواعظین** - در یکی از مواد قبل گذشت گویا از نظر مبارکشان رفته است سهام کتبی بر دو قسم است اسمی و عامی مادامی که سرمایه تمام مبلغش داده نشده است و وجه آن پرداخته نشده است اسمی خواهد بود حالا در موقعی که مجلس صاحبان معاق سهام دائر میشود و ورقه چاپ میکنند و بآنها می‌دهند آنجا يك ورقه که متضمن اسامی صاحبان سهام اسمی باشد چاپ میکنند و میدهند برای اینکه بدهند کدام سهام هنوز تمام و جهش پرداخته نشده است و سهام اسمی است.

**بهجت** - گمان میکنم آقای مخیر اشتباه فرمودند سهام اسمی و عامی منوط بر این نیست که بعضی وجهش پرداخته شده باشد و بعضی پرداخته نشده باشد کلیه شرکت وقتیکه سهام طبع میکنند و قسم است یکی اینکه اسمی در آن قید نمیشود مثل اسکناس یکمرتبه اسم شخص نوشته میشود و اسامی دفتر دارد و در دفتر اسامی قید میشود و این راجع بنامه دوم است اما اینکه سهام برش داشته باشد ممکن است بدفعات بپردازند آن هیچ مربوط باین مسئله و مربوط بصورت مجلس هم نیست در صورت مجلس سهام عامی است و این يك چیزی است که خودشان باید بدهند و اسامی دیگر را بشناسند صورت مجلس در جانی ترتیب داده میشود که سهام اسمی باشد.

**معین الرعایا** - اینجا خودش میگوید که مقصود از ورقه سهام محل اقامت صاحبان سهام و عده آنها است ورقه سهام عامی اسم و محل اقامت ندارد و این سهامیکه اسمی است باید محل اقامت و عده آنها معین باشد اینجاست راجع بصاحبان سهام اسمی است و در آن سهام دیگر معلوم نیست که دست کی است آنجا نوشته است.

**افتخار الواعظین** - ماده ۵۸ را آقای بهجت مراجعه فرمائید رفع اشکالشان میشود.

**رئیس** - گویا مذاکرات کافی باشد رأی میگیریم بنامه ۶۵ الحاقی آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند).

جدیده ماده ۵۷ - در مجلس اسامی عده کافی برای مذاکره و رأی گرفتن ربع عده شرکاء است کداری نصف سرمایه باشند و هر گاه در جلسه اقل عده کافی نشد جلسه دیگری باید منسقد شود و فاصله مابین جلسه اول و دوم نباید کمتر از سه هفته باشد در هفته قبل از انعقاد جلسه ثانوی باید مراتب درموردیه بفاصله لافیل سه روز در روزنامه اعلان شود در جلسه نانی عده کافی برای مذاکره و رأی خمس عده شرکاء است کداری خمس سرمایه باشند در مجلس معموله فوق‌الماده عده کافی نمن عده شرکاء است که دارای ربع سرمایه باشند و هر گاه عده در جلسه اولی کافی نشد بفاصله لافیل ۱۰ روز جلسه دیگری منعقد خواهد شد موقع انعقاد این جلسه باید در روزنامه اعلان شود در جلسه ثانوی هر چند نفر که حاضر بودند قرار عده مجلس قطعی خواهد بود.

**حاج شیخ اسدالله** - در مجلس اسامی عده کافی را برای مذاکره و رأی گرفتن يك سبزی معین میکنند برای تمام شرکاء کداری نصف سرمایه باشند این نظر بنده یکقدری اشکال دارد بجهت اینکه ممکن است شرکاء در ولایات مختلف باشند بلی برای مرکز شرکت نمیتوان اینماد را نوشت و صحیح هم است اما نوشتن برای کداری شرکاء و کلیه صاحبان سهام نمیشود که اینماد را چرا که غالباً اتفاق می‌افتد که این مجلس منعقد نشود برای اینکه شرکاء در ولایات هستند پس چگونه میشود آن مجلس را تشکیل کرد و شاید اشخاصی کداری نصف سرمایه باشند سه ربع آنها یا نصف آنها باشند خوب است در اینجا معین بکنند در مرکز شرکت اشخاصیکه حاضر هستند سه ربع آنها حاضر باشند و جلسه را تشکیل بدهند والا بطور اطلاق ماده را نوشتن خیلی اسباب زحمت و اشکال میشود.

**افتخار الواعظین** - گویا توجه فرمودند مجلس اسامی مجلس است که در مرتبه اول و در مرکز هم تشکیل می‌باید نه در جای دیگر بهمان ملاحظه که فرمودند در راپورت اول نوشته بود که عده کافی برای مذاکره و رأی گرفتن نصف عده شرکاء است که دارای نصف سرمایه باشند بلاحظه اینکه شاید سهام در ولایات فروخته شده باشد و صاحبان سهام نتوانند در مرکز مجلس اسامی حاضر شوند و اسباب زحمت باشد این بود که مجلس اسامی را در مرکز قرار دادیم و گفته‌ایم که در مجلس اسامی عده کافی برای مذاکره و رأی ربع عده شرکائی است که دارای نصف سرمایه باشند و این مجلس در مرکز خواهد بود نه در جای دیگر.

**رئیس** - گویا مذاکرات کافی باشد رأی میگیریم بنامه ۵۹ (اغلب قیام نمودند).

**رئیس** - تصویب شد ماده ۵۷ الحاقی.

برای سهام اسمی مرتب و برای مراجع حاضر خواهد بود در این کتابچه اسم هر صاحب سهم اسمی با عده سهام متملقه و تعیین موافقی که اقساط سهام باید پرداخته شود و نیز مبلغ وجهی که هر یک از دارندگان سهام تأدیبه کرده است معین خواهد شد.

**رئیس** - در ماده ۵۷ الحاقی مخالفی هست (مخالفی نیست) آقایانی که ماده ۷۷ الحاقی را تصویب می کنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند).

**رئیس** - تصویب شد ماده ۵۸ از راپورت قدیم ماده ۵۸ - سهامی که وجه آن هاتماً تأدیبه نشده است باید تا زمان پرداخت کلیه وجه اسمی و دارای علامت چاپی مخصوص باشد.

**رئیس** - در ماده ۵۸ مخالفی نیست رأی میگیریم بنامه ۵۸ آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند).

**رئیس** - تصویب شد ماده ۵۹ تماماً پرداخته نشده است سهم خود را بدیگری انتقال دهد با قیامنده وجه را از منتقل البه باید مطالبه کرد و همچنین هر منتقل البی به منتقل ثانوی رجوع مینماید.

بنا بود این ماده حذف شود.

**مخیر** - بنه در راپورت هم نوشته شده است که باید حذف شود.

ماده ۶۰ خوانده شود.

ماده ۶۰ خوانده شود.

ماده ۶۰ خوانده شود.

ماده ۶۰ خوانده شود.

ماده ۶۰ خوانده شود.

ماده ۶۰ خوانده شود.

ماده ۶۰ خوانده شود.

ماده ۶۰ خوانده شود.

ماده ۶۰ خوانده شود.

ماده ۶۰ خوانده شود.

ماده ۶۰ خوانده شود.

ماده ۶۰ خوانده شود.

توضیح قانع شدند گمان میکنم که محتاج به برگشتن بکمیسیون نباشد.

**بهجت** - اگر مقصود از هیئت مدیران هیئت اداره کننده است و باید هم همین باشد معین بکنند اگر هیئت مدیران است زاید است بجهت اینکه گمان نمیکند که مدیران يك مجلسی داشته باشند علی‌کل حال این باید به هیئت اداره کنندگان رجوع شود گمان میکنم که هیچ اشکالی هم نخواهد داشت که هیئت اداره کنندگان نوشته شود.

**افتخار الواعظین** - اگر لازم میدانند برگردد بکمیسیون تا تجدید نظر بشود.

**رئیس** ماده ۶۱ که (۶۰) شد بر میگردد به کمیسیون ماده ۶۱ از راپورت جدید.

ماده ۶۱ - برای تغییر دادن نظامنامه شرکت عده کافی همان عده لازمه مجلس اساسی است.

**بهجت** - گمان میکنم که برای تغییر در نظامنامه شرکت باید یکقدری اهمیت قائل شد برای آنکه نظامنامه است که مردم می‌خرند و می‌برند بولایات آنوقت برای تعیین يك هیئت نظاره چندان اهمیت نمیده‌ند برای آنکه آن جلسه که باید تشکیل شود بایستی سه ماه چهار ماه قبل از وقت اطلاع بدهند که اگر کسی در ولایات هست حاضر بشود که نصف بملاءه يك از دارندگان سهام لافیل حاضر باشند اینسکه باید نظامنامه شرکت را اهمیتی داد برای اینکه نظامنامه شرکت را ننشود مثل سایر مسائل شرکت فرض کرد زیرا که اساس شرکت است که ضرر و نفع شرکت از روی او معلوم خواهد شد و باید قید کرد که نصف بملاءه يك حاضر باشند.

**افتخار الواعظین** - بنده تعجب میکنم که آقا چطور اهمیت نظامنامه شرکت را بیشتر از رسیدگی بصحت تشکیل شرکت فرض میفرمایند در مجلس اساسی اگر مراعات شرایط نشود و وظایفشان را اداء نکنند بهیچوجه شرکت نمیتواند تشکیل شود آنجا ربع عده شرکاء را کافی نمیدانند ولی برای تغییر دادن نظامنامه شرکت نصف بملاءه يك را لازم میدانند و حال آنکه باید ملاحظه فرمائید که در شرکت مختلفه سهامی ممکن است سهام در جا های خیلی دور دست متفرق شده باشد و جمع شدن شرکاء خیلی اسباب زحمت و کلفت باشد و مخصوصاً در مسافت که هنوز اسباب تسهیل مسافرت فراهم نشده است برای تغییر نظامنامه گمان میکنم همان ربع عده شرکاء کافی باشد.

**بهجت** - نظامنامه شرکت دو قسم است یکی اساسی است و یکی داخلی آن نظامنامه داخلی و نظامنامه اساسی حاوی منافع و مضار شرکت خواهد بود ممکن است اگر در آن خصوص اشکالی پیدا هم بکنند آن وقت آنها و کلای خود را معین نمایند و يك اعتبارنامه در دست داشته باشند و حاضر شوند برای تغییر نظامنامه اساسی والا اگر نظامنامه اساسی را مثل نظامنامه داخلی قرار بدهیم کار آنها مختل خواهد بود.

**معین الرعایا** - این ابرادی را که آقای بهجت میکنند اینجا وارد نیست بجهت اینکه آن ربع عده که دارای نصف سرمایه باشند برای تغییر دادن نظامنامه کافی است.

**رئیس** - مذاکرات کافی نیست کافی است.

**رئیس** - مذاکرات کافی نیست کافی است.

**رئیس** - مذاکرات کافی نیست کافی است.

رأی میگیریم بنامه (۶۲) که حالا ماده ۶۱ بشود آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام کردند).

**رئیس** - تصویب شد ماده (۶۲) فصل چهارم شرکت محدود سهامی.

ماده ۶۲ - در شرکت سهامی محدود تمام سرمایه سهام تحصیل میشود و مسئولیت هر يك از شرکاء محدود بسهمی است که در شرکت دارد.

**رئیس** - مخالفی هست نیست رأی میگیریم بنامه ۶۲ آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) رئیس - تصویب شد ماده ۶۳.

ماده ۶۳ - در شرکت محدود سهامی عنوان شرکت نباید متضمن اسم هیچك از شرکاء باشد و عبارت (مسئولیت محدود) باید پس از عنوان شرکت قید شود.

**رئیس** - مخالفی هست در اینماده نیست آقایانی که ماده ۶۳ را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) رئیس - تصویب شد.

ماده ۶۴ - چون در شرکت محدود سهامی هیچك از شرکاء امتیاز و مسئولیتی بیش از سایرین ندارد اداره کردن شرکت اختصاص بچند نفر ندارد مدیران شرکت چنانچه در ولایات هست حاضر بشوند که نصف مجلس دارندگان سهام معین میشوند.

**آقامیرزا احمد** - لفظ مدیر اضافه شود.

**بهجت** - عقیده بنده اینست که مدیران شرکت همان بود که در آنماده معین شده که او را انتخاب میکنند حالا با از بین شرکاء مسئول یا لازم نیست از شرکاء باشد باین تقدیر مدیر یا مدیران در آنجا بآن ترتیب ذکر شد و در اینجا خوبست تبدیل شود به هیئت اداره کنند.

**رئیس** - رأی میگیریم بنامه ۶۴ با اضافه لفظ مدیر قبل از مدیران آقایانی که تصویب می کنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند).

**رئیس** - تصویب شد ماده ۶۵.

ماده ۶۵ - ترتیب شرکتنامه و ایفای شرایط صحت تشکیل شرکت و اقداماتیکه در مواد ذیل معین میشود برعهده مؤسسين است ولی مؤسسين بهیچوجه بر دیگران امتیازی ندارند مجلس سهام هر کس را صلاح بداند بسمت مدیری معین میکند.

**رئیس** - مخالفی نیست رأی میگیریم بنامه ۶۵ آقایانیکه تصویب مینمایند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند).

**رئیس** - تصویب شد ماده ۶۶.

ماده ۶۶ - شرایط صحت تشکیل شرکت محدود و مصدق کردن شرکت نامه و غیره از قرابستکه از مواد ۳۶ الی ۴۶ مقرر است باملاحظات ذیل اولاً استعای اجازه بامضاء و مهر مؤسسين خواهد بود ثانیاً سهم باید بامضای لافیل دوتنفر از مدیران و دو نفر از هیئت نظاره برسد ثالثاً هر اظهاراتیکه در ماده ۴۴ مقرر است باید از طرف مؤسسين بعمل آید و صحت اظهارات آنان در اولین جلسه مجلس دارندگان سهام یعنی در مجلس اساسی رسیدگی شود.

**میرزا ابراهیم قمی** - ثانیاً هر سهم باید بامضای (مدیر یا مدیران نوشته شود).

**حاجی عزالمالک** - در مجلس اساسی ثلث عده شرکاء

**افتخار الواعظین** - عرض کردم اینجاست مدیر هیئت اداره کنند است و یک نفر نخواهد بود لافیل کمتر از پنج نفر نخواهند بود.

**رئیس** - همان اصلاحی را که در چند ماده قبل از جلسه گذشته کردم اینجام باید نوشته شود.

**افتخار الواعظین** - آن اصلاح حاضر نیست بهداز تنفس نوشته میشود و تقدیم میشود.

**رئیس** - پس اینماده هم میماند برای بعد از تنفس ماده ۶۷.

ماده ۶۷ - تمام مواد شرکت مختلط سهامی در باره شرکت محدود سهامی مجری است مگر شرایطیکه مخصوصاً در ماده ذیل تیر داده میشود.

**رئیس** - مخالفی نیست رأی میگیریم بنامه ۶۷ آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند).

**رئیس** - تصویب شد ماده ۶۸.

ماده ۶۸ - در مجلس اساسی عده کافی برای مذاکره و رأی گرفتن نصف عده شرکاء است که دارای نصف سرمایه باشند و هر گاه عده کافی نشد موافق ماده ۵۷ جلسه دیگری منعقد خواهد شد در جلسه ثانوی عده کافی ربع عده شرکاء است که دارای سس سرمایه باشند.

**حاجی عزالمالک** - ماده پنجاه و هفت که گذشت ترتیبات جلسات شرکت را معین کرد بعقیده بنده لازم نیست که خودمان برای این شرکت بزرگت بیندازیم بجهت اینکه فرقی نیست تا اینکه ما يك ترتیبات دیگری بدهیم اینترام خوبست مقرر قبول بکنند مثل همان جلساتی که در ماده ۵۷ معین شد معین بشود.

**افتخار الواعظین** - خیر اشتباه میفرمایند چون دامنه این شرکت معتدل است و سه مرتبه بشود از او بجهت اینکه در آن جا چون یکمده بول داده بودند و يك عده دیگر سهام فروخته بودند ولی اینجا تمام سرمایه بوسیله سهام تحصیل میشود ممکن است که دامنه اش وسیعتر بشود باین جهت برای يك حد اکثر و حد اقل قرار داده‌ایم حد اکثر نصف حد اقل سس.

**آقامیرزا احمد قزوینی** - نصف حد اکثر نیست خوبست نصف بملاءه يك نوشته شود تا اکثریت راهم حاضر باشد.

**کاشف** - اینکه نصف عده شرکاء را که دارای نصف سرمایه شرکت باشند نوشته است برای اینست که نصف عده دارای نصف سرمایه باشند و همچنین ربع عده باید دارای ربع سرمایه باشند ممکن است یکوقتی نصف عده حاضر باشد لکن دارای نصف سرمایه نباشند اینرا باید توضیح داد که معلوم شود.

**افتخار الواعظین** - اینجا ما عده را مقیداً ملاحظه میکنم والا ممکن است که نصف یا ربع عده شرکاء جمع شوند در حالتیکه کمتر از نصف سرمایه را در صورت اول و کمتر از سس سرمایه را در صورت ثانی دارا باشند اینست که هم ملاحظه عده هم ملاحظه سرمایه هر دو شده است.

**معین الرعایا** - بنده تصدیق میکنم آقای حاجی عزالمالک را در مجلس اساسی ثلث عده شرکاء

کداری نصف سرمایه باشند کافی میدانم و نصف عده شرکاء زیاد است.

**افتخار الواعظین** - این عده از برای مجلس اساسی است که می خواهد گفتگو بکنند.

**رئیس** - مذاکرات کافی نیست ( اظهار شد که کافی است )

**رئیس** - اصلاحی هست در ماده ۶۸ از طرف آقای حاجی سید ابراهیم قرائت میشود ( بعبارت ذیل قرائت شد )

بنده پیشنهاد میکنم که در ماده ۶۸ لفظ (نصف عده شرکاء) برداشته شود و لفظ پیش از نصف بعد از لفظ دارای نصف الی آخر زیاد شود

**حاج سید ابراهیم** - در آن ماده هم اجازه خواسته بودم و مذاکره کافی شد اینهم نظیر آن ماده است در شرکت نظر بنده شرکاء نیست نظر بآن سهام و سرمایه است که شرکت را تشکیل کرده است و همینکه یک عده که کمتر از عده نصف شرکاء باشند حاضر شدند که دارای بیش از نصف سرمایه شدند آنها حق مذاکره در مجلس اساسی دارند پس دیگر ذکر عده لازم نیست منطوق نصف سرمایه است که معلوم شرکت است و آن لفظ پیش که بنده ذکر کرده ام برای آنستکه اگر چهار پنج نفر هم از دارندگان سهام که بیش از نصف سرمایه دارا هستند حاضر شدند حق تشکیل مجلس اساسی را دارند بلا حظه اینکه بیش از نصف از سرمایه سهام در دست آنها است لهذا خوبست اینطور باشد عبارت از مجلس اساسی برای مذاکره و رأی گرفتن عده لازم است که بیش از نصف سرمایه را داشته باشند.

**افتخار الواعظین** - بنده از آقایان سؤال میکنم اگر نظر سرمایه است شاید دو نفر از شرکاء نصف سرمایه را داشته باشند آنقدر نفر به نسبت و ترتیب شرکت برای سایر شرکاء معین کنند این ابدأ صحیح نیست عرض میکنم باید نظر بر سرمایه داشت ولی باید نظر بر عده هم داشت اولاً عده را اگر نصف نوشتیم شاید دارای عشر سرمایه باشند نصف عده آنوقت این نصفی که دارای عشر سرمایه هستند برای شرکاء دیگر که دارای نه عشر سرمایه هستند تکلیف معین کنند اینهم که میشود نظر بر سرمایه نهادیم میشود کرد بجهت اینکه ممکن است دو نفر دارای نصف سرمایه باشند اینستکه هر دو را باید ملاحظه کرد هم نصف عده شرکاء را هم نصف سرمایه را.

**رئیس** - رأی میکنیم به پیشنهاد آقای حاجی سید ابراهیم آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند ( کسی قیام نکرد )

**رئیس** - قابل توجه شد رأی میکنیم به ماده ۶۸ آقایانیکه این ماده را تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب شد ماده ۶۹

ماده ۶۹ - مدیر یا مدیران آن شرکت باید بقدر صدی دو از سرمایه شرکت دارای سهام باشند در صورتی که سرمایه از دو کرور بیشتر نباشد از دو کرور بیلا صدی یک کافی است.

**حاج عز الممالک** - آنطوریکه آن ماده پیش اصلاح شد و یکصد و بیست و هفت معلوم نشد تکلیف حالا در اینجا که شرح میکنم که باید حتماً دارای

فستی از سرمایه باشند مدیر یا مدیران بنده در اینجا مخالف هستم بجهت اینکه ممکن است آن طوریکه اصلاح شد و یکصد و بیست و هفت معلوم شد که یکی از مدیران را شرکاء مسئول انتخاب کنند از خارج از کسانی که یک قسمت از سرمایه را جمع بیاورند.

**افتخار الواعظین** - کمیسیون عقیده اش اینست که باید مدیران شرکت برای اعتبار شرکت افلا صدی دو دارای سهام از سرمایه شرکت باشند و این بیشتر اسباب اطمینان سایر شرکاء است.

**حاجی عز الممالک** - در آن جلسه در اینخصوص خیلی مذاکره شد اهمیت مدیر طوری است که نمیشود معین کرد که مدیر از بین شرکاء باشد و مخصوصاً انتخاب بعقیده بنده باید آزاد باشد بعد از آنکه معین کردیم که حق انتخاب با شرکاء است چطور میشود محدود کرد که باید از بین خودشان باشد و مخصوصاً ممکن است اشخاصی پیدا کرد بجهت اداره کردن شرکت که مدیر شرکت باشند و داخل شرکاء شرکت نباشند در اینصورت باین ملاحظاتی خوبست آن ماده بیاید بمجلس و هر طور آن ماده گذشت مأمور میتوانیم مطابق آن رأی بدیم در صورتیکه آن نگذاشته است نمیتوانیم در این ماده رأی گرفته شود.

**حاجی شیخ اسدالله** - در صورتی که آن ماده بر گشت بکمیسیون آنهم بواسطه همین نظریات بود حالا شاید آن خودش آمد بمجلس و مجلس هم رأی داد که مدیران غیر شرکاء باشد حالا شاید کمیسیون هم همانطور که اصلاح شد و رأی داد آمد بمجلس و مجلس هم تصویب کرد که لاز نیست مدیر از سرمایه داران شرکت باشد آن وقت با این ماده که اینجا رأی گرفته میشود بکنی مخالفت دارد و اینرا نمیشود ضمیمه آن ماده کرد.

**مخبر** - این ماده باشد تاد کمیسیون تجدید نظری شود.

**رئیس** - ماده هفتادم خوانده میشود.

ماده ۷۰ - سهام مدیران شرکت بر حسب قرار داد تا زمانیکه سمت خود بر قرارند غیر قابل انتقال است و در صندوق شرکت باید ضبط شده و عده حق انتقال باید از روی او با شرکت ثابت و قید شود.

**حاج شیخ اسدالله** - این ماده هم راجع بهمان ماده است سهام مدیران در صورتیکه مامورین کرده باشند که حتماً مدیران باید دارای سهام باشند در صورتیکه دارای سهام نباشند آنوقت این ماده اینجا قدری بیفایده خواهد بود.

**آقامیرزا احمد** - این ماده هیچ ربطی ندارد به ماده سابقه همینقدر معین میکنم که اگر مدیری مدیرانی شدند که سرمایه داشتند چه باید کرد اگر دارای سرمایه بودند که این ماده شامل نیست اگر دارای سرمایه بودند که این ماده شامل است.

**رئیس** - دیگر مخالفی نیست ( اظهاری نشد )

میکریم به ماده (۷۰) بطوریکه خواهد شد آقایانیکه ماده هفتادم را تصویب میکنند قیام نمایند ( اکثریت نمایندگان قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب شد.

ماده ۷۱ - مدیران شرکت نمیتوانند طرف

معامله با شرکت واقع شوند ولو اینکه معامله بطور علنی و سزایده باشد مگر اینکه اجازه مخصوص از طرف مجلس دارندگان سهام داشته باشند با وجود این باید در آخر سال صورتی از معاملات مربوط به مجلس سهام بدهند.

**بجهت** - این جزء ماده را میخواستیم سؤال کنیم از مخبر در صورتیکه معامله علنی باشد و میخواهند بپزایند قرار بدهند چرا ممکن نیست مدیر خودش طرف معامله واقع شود در صورتیکه معامله بپزایند گذاشته میشود چه ضرری دارد خوبست مخبر توضیح بدهند.

**افتخار الواعظین** - بجهت اینکه اگر چه ظاهر آن معامله بطور مزایده و مناقصه هست ولی خودشان یک اسباب تقلبی فراهم کرده باشند که بگوئیم بهیچوجه اگر چه بطور مزایده هم باشد حق ندارند مگر اینکه بروند اجازه از شرکاء بگیرند.

**ارباب کیخسرو** - بنده هیچ اظهار آقای مخبر را نفهمیدم چطور میشود که مدیر در آنجا تقلب نمیکند و در اینجا تقلب میکند خوبست بفرمائید که چرا در آنجا تجویز شد و در اینجا تجویز نشد خوبست اینرا توضیح بفرمائید.

**افتخار الواعظین** - فرق دارد فرقی اینستکه آنجا گفتیم مدیر باید از شرکاء مسئول باشد چون از شرکاء مسئول است نفع و ضرر شرکت بیشتر بخودش متوجه است چون بخودش متوجه است آنجا گفتیم میتواند طرف معامله واقع شود اگر بطور مزایده واقع شود ولی دیگر اینجا از شرکاء مسئول نیست باینجهت نمیتواند طرف معامله واقع شود بجهت اینکه مسئولیتش با اندازه سهمش است و نفعش هم با اندازه سهمش است باینجهت گفتیم در اینجا نمیتواند طرف معامله واقع شود مگر آنکه برود اجازه مخصوص بگیرد.

**معین الرعایا** - بنده اولاً میخواستیم عرض کنم ممکن است مواد این شرکت محدود سهامی را مثل آن شرکتها نگیریم تفاوتی با آن شرکتها داشته باشد یکی هم نمیتوانیم در کار شرکت است نسبت تقلب یا داد ولی در هر صورت در هر کاریکه مدیر طرف معامله باشد مخصوصاً اذهان مردم را متوش میکند باینجهت خوب است نوشته شود که طرف معامله با شرکت واقمشود.

**رئیس** - مذاکره را آقایان کافی میدانند اظهار کردند کافی است.

**رئیس** - رأی میکنیم به ماده ۷۱ آقایانیکه ماده ۷۱ را بطوریکه قرائت شد تصویب میکنند ( اغلب قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب شد ماده ۷۲ خوانده میشود.

ماده ۷۲ - مدیران شرکت پس از انتخاب مسئول صحت تشکیل شرکت هستند و باید معلوم نماید که شرایط مقرر به عمل آمده است یا نه در صورتی که بعضی از آنها رعایت نشده باشد فوراً انجام داده و اگر انعقاد مجلس سهام لازم است تشکیل داده و مراتب را ابراز نمایند والا هرگونه ضرری که وارد آید در تأدیبه با مؤسسان شرکت خواهد بود.

**حاج شیخعلی** - اینجا مؤسسان در تأدیبه آن تشریک خواهند نمود در صورتیکه تمام آنهادر شرکت مساوی هستند این از چه جبهه است خوبست آقای مخبر توضیح بفرمائید که یک مسئولیت فوق العاده هم برای مؤسسان قرار داده شده است اینجا این را خوب است توضیح بدهند.

**افتخار الواعظین** - نفهمیدم غرضشان از این فرمایش چه بود مؤسسان گفتیم ترتیب شرکت نامه ترتیب نظامنامه سایر تکالیف که در مواد قبل نوشته شده است برعهده مؤسسان است معلوم است که مؤسسان در ادای این وظایف مسئولند اگر ادای این وظایف نشود شرکت منعقد نخواهد شد این ماده میگوید اگر مدیران برای وظایف خودشان را نکنند مسئول خواهند بود و اگر ضرر و خسارتی وارد شود از عهده برآیند.

**آقا شیخ ابراهیم زنجانی** - این عبارت یک قدری ناقص است و اگر انعقاد مجلس سهام لازم است تشکیل داده و مراتب را اظهار نمایند و الا هرگونه ضرری که وارد آید در تأدیبه آن با مؤسسان شرکت خواهد بود خوبست نوشته شود هر گاه اطلاع دادند و آنها اقدام نکردند در آنجا تشریک خواهد بود.

**حاج وکیل الرعایا** - نضر باینکه مدیران در اموریکه این قانون حق داده است که شرکت با مرزها تمامی مواد قانون تشکیل شود مدیر بعد از اینکه انتخاب شد و مسئولیت را برعهده گرفت یک مسامحه و یا یک خرج بی مبالائی در کار دید باید حتماً مجلس سهام را تشکیل بکند و با اطلاع عموم برساند و مقصود از عموم کسانی است ذیحق هستند و اگر اینکار را نکردند تقیاً آن قسمت اخیر یک مجازاتی است برای مدیر که مسامحه نکند و اگر مسامحه بکند با مؤسسان تشریک در آن ضرر خواهند بود

**حاج شیخعلی خراسانی** - آقای مخبر فرمودند و بنده ملتفت نشدم مؤسسان را ما هیچ خسارتی بر آنها تحمیل نکردیم قرار شد هر ضرر و خسارتیکه حاصل شد صاحبان سهام با اندازه سهمشان تشریک در آن ضرر باشند و مدیر را هم در صورت رفتار برخلاف قانون باین اندازه از ضرر تشریک قرار دادیم و گمان میکنم که اگر این اندازه هم اینجا نباشد نمیتواند آنقدر از حق اشخاصیکه بمدير سربرده شده است محفوظ نگاهدارد و ایرادی اینجا وارد نیست دیگر تمام ضرر را بعهده مؤسسان قرار دادن صحیح نیست.

**افتخار الواعظین** - شرکاء مسئولیتشان محدود بسهامشان بوده لکن پیش از انعقاد شرکت اگر ضرری متوجه شد هر یک از شرکاء باید با اندازه سهمیکه در دست دارند باید تأدیبه ضرر را موافق آن اندازه سهم بکنند ولی مؤسسان اگر در ادای شرایط انعقاد شرکت ایفاء وظایف خودشان را نکنند این معلوم است و تمام ضرر راجع بمؤسسان است بجهت اینکه هنوز شرکتی منعقد نشده است تا اینکه ضرری بسایرین متوجه باشد میگوئیم چنانچه آن ضرر عاائیکه متوجه و مخصوص مؤسسان است اگر این اشخاص یعنی مدیران هم کوتاهی و مسامحه کنند آنها هم در ضرر به آنها تشریک خواهند بود.

**رئیس** - گویا مذاکرات کافی است رأی می

گیریم به ماده ۷۲ آقایانیکه این ماده را بطوری که قرائت شد تصویب می نمایند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب شد ماده ۷۳

ماده ۷۳ - در صورتیکه نصف سرمایه سوخت شود مدیر یا مدیران شرکت باید مجلس دارندگان سهام را منعقد نموده مراتب را اطلاع و معلوم نمایند که شرکت باید فسخ شود یا نه و در صورت تخلف اعضای هیئت ناظره مسئول خواهند بود و هر یک از شرکاء حق دارند در معاکم عدلیه فسخ شرکت را مطالبه نمایند.

**بجهت** - انعقاد مجلس دارندگان سهام منحصر نخواهند بود در صورتیکه نصف سرمایه سوخت شده باشد و دو صورت دیگر هم باید منعقد بشود و آن در صورتیکه شرکت از جریان نرفته یا این که تمام سرمایه شرکت در یک جانی گیر بکند این ها هم ضررهاست که متوجه ممکن است بشود در آن صورت هم مجلس دارندگان سهام باید منعقد شود و تکلیف سهام شرکت را معین بکنند.

**حاج وکیل الرعایا** - انعقاد مجلس صاحبان سهام فقط متوقف باین یک ماده تنها نیست چند جای با آنها حق داده و این هم یکی از آن موارد است و آن ایراد آقای بجهت هم مراعات خواهد شد این مخصوصاً برای یک اتفاق فوق العاده است که باید بتصویب شرکاء کل و جزء برسد تا اینکه زود تر تکلیف شروع در برچیدن آنکار بشود.

**ارباب کیخسرو** - بنده سوخت نصف سرمایه را زیاد می دانم عقیده ام اینستکه یک قدر کمتری برایش قرار بدیم ثلث یا ربع قرار بدهند نصف خیلی زیاد است و اگر بعد از سوخت نصف سرمایه مدیر اطلاع ندادند باید دیگر از سرمایه چیزی باقی نمی ماند عقیده بنده ثلث است یا ربع.

**افتخار الواعظین** - بهمان علتی که فرمودند نصف نوشتم چون نصف اگر سوخت شد بکلی شرکت بی با میشود و از میان میرود بطوری که نمیشود دیگر این ضرر شرکت را جبران کرد در این صورت باید اطلاع بدهند برای فسخ شرکت اما اگر ثلث یا ربع سوخت شد بدیهی است که دیگر این مقدار اسباب فسخ شرکت نمیشود و می تواند شرکت جبران بکند.

**معین الرعایا** - بنده تصدیق می کنم اظهارات آقای ارباب را بجهت اینکه این شرکت سهامی خواهد بود و سهامش هم کم خواهد بود بیست تومان و سی تومان و پنجاه تومان خواهد بود اگر نصف سرمایه سوخت بشود ضرر ببقی از مردم وارد خواهد آمد و بنده هم عقیده ام ربع است همینکه ربع سرمایه سوخت شد باید مجلس را منعقد نموده و صاحبان سهام اطلاع بدهند.

**افتخار الواعظین** - بنده اصراری ندارم و نمی گویم پیشنهاد نکنید پیشنهاد بکنید ولی عرض می کنم اگر چنانچه سرمایه صد هزار تومان باشد و بیست و پنج هزار تومان سوخت بشود باز شرکت با هفتاد و پنجاه هزار تومان از جریان نایافته و احتمال هم دارد که آنقدر خسارتیکه وارد شده است جبران

بکند اما اگر صد هزار تومان سرمایه داشته باشد و نصف سوخت بشود از جریان مابقه اینستکه نصف نوشته ایم.

**رئیس** - پیشنهادی ارباب کیخسرو کرده اند قرائت میشود ( بعبارت ذیل قرائت شد )

بنده پیشنهاد می کنم که ماده ۷۴ نوشته شود در صورتی که یک ثلث سرمایه سوخت شود الی آخر.

**افتخار الواعظین** - بنده هم قبول میکنم **معین الرعایا** این اظهاراتی که آقای مخبر کردند بهترین دلیل بود برای بنده و آقای ارباب چنانکه گفتند که تا صد هزار تومان باشد اگر ۲۵ هزار تومان سوخت شد ممکن است جمع شوند اعضای شرکت و دست پای خودشان را جمع کنند اما در صورتیکه نصف سرمایه شرکت سوخت شود ابدأ نمیتوانند شرکت بسا پنجاه هزار تومان جبران پنجاه هزار تومان دیگر را بکنند و البته در آن موقع صدای مردم در میآید.

**رئیس** - شما که موافق بودید و مخبر هم قبول کرده بود.

**معین الرعایا** - گمان کردم قبول نکردند. **رئیس** - رأی میکنیم به ماده ۷۴ با اصلاحی که شد و مخبر قبول کرد آقایانیکه این ماده را باین ترتیب تصویب میکنند قیام نمایند اغلب قیام نمودند.

**رئیس** - تصویب شد.

ماده ۷۴ - هیئت ناظره که از مجلس دارندگان سهام انتخاب میشود همه اعضای آن از پنج نفر کمتر نخواهند بود.

**رئیس** - مخالفی نیست رأی می گیریم آقایانیکه ماده ۷۴ را تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب شد.

ماده ۷۵ - تکالیف هیئت ناظره همان است که در جز و شرایط شرکت مندرج است.

**رئیس** - مخالفی نیست رأی میکنیم در ماده هفتاد و پنجم بطریقی که خوانده شد آقایانیکه این ماده را تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب شد.

**افتخار الواعظین** - ماده ۶۶ هم کرای گرفته شد اصلاحی شده است خوبست حالا با آن اصلاح رأی گرفته شود.

**رئیس** - بترتیب صحیح نوشته شده است بعد از تنفس مجاله بکریب تنفس است.

مجدداً پس از بیست دقیقه جلسه تشکیل شد.

**رئیس** - راپورت کمیسیون بودجه راجع بهشتاد و سه هزار تومان برگشتی از بودجه دربار قرائت میشود شور اول این قانون بعمل آمده است و این شور دوم است آقایانیکه تصویب میکنند که داخل شور دوم بشویم قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب شد ماده اول بعبارت ذیل قرائت شد.

ماده (۱) از یک قانون تا ماخذ شصت تومان ایفاء میشود.



**حاج شیخ الرئیس** - در شورای اول عرض کردم حالام ناچارم عرض کنم و تکرار کنم عرض میکنم بدون اینکه داخل در اساس و فلسفه حقوق بشویم که تا بیک درجه خارج از موضوع بنظر مآید حقوقی در مجلس سابق از جهت مذاقه و کلاه برون آمد بعضی را بکلی قطع نکردند بعضی را تنصیف و بعضی را تنبیت بطوریکه مصلحت بود بعد از آن قطع قانونی یا اصلاح پارلمانی که البته مطاع و مضیع است و هیچ کس حق اعتراض ندارد پیشنهاد بنده اولاً حق کسی را تصویب نمیکنم که مجلس شورای ملی قطع کند مگر بیکموز قانونی مثل ارتدادی پینانچه در عقیده بنده ارتدادی است بطوریکه کردند قطع کند و حقوق جمعی از قراء و ضمناً و ذوی الحقوق جزء این نوع از حقوق قطعاً در نظر مجلس سابق نبوده است که قطع شود و قطع کنند بلکه اگر مراجعه کنید به مقطوعات مجلس سابق در همان کتابچه مقطوعات قطع شده بعضی از همین حقوق جزئی و تبدیل شده است یعنی کم شده است پس گویا بیک مرتبه نظر کرده است باین حقوق بعضی را کم کرده بعضی را ابقاء کرده است و حالا بنده نمیدانم این مجلس چگونه خودش را حتماً مکلف میداند که در این آخردوره تقنینیه جمعی از قراء و ضمناً را که برای نان شب معطل هستند و در پیشان و صاحباهل اوهال هستند و طوریکه باید برای مجلس دعا گو باشند قطع کند بنده کلیه مداخله در قطع این حقوق را با وجدان و انصاف خودم صریح نمیدانم.

**حاج شیخعلی خراسانی** - اظهاراتیکه آقای حاج شیخ الرئیس کردند هیچ راجع باین ماده نبوده بواسطه اینکه این ماده راجع باین است که تا شصت تومان ابقاء باشد از حقوق اشخاصیکه جزء این سیاه هستند و این فرمایش آقای حاج شیخ - الرئیس راجع بکلیات بوده است و در مواد نبوده است.

**حاج سید ابراهیم** - بنده یک جزئی ایرادی داشتم در کمیسیون هم گفتم خوب است اینجا نوشته شود که اگر یک تومان ابقاء شود و بدون کسر تومان نوشته شود.

**رئیس** - رأی میگیریم بماده اول بطوریکه نوشته شده است آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - با اکثریت تصویب شد ماده ۲ ماده ۲ - تا ماخذ یکصد و بیست تومان ۶۰ تومان بساخذ ماده (بشکلی) مازاد آن دو نلت ابقاء میشود.

**رئیس** - آقایانیکه ماده دوم را تصویب میکنند قیام نمایند اغلب قیام نمودند.

**رئیس** - ماده ۲ تصویب شد ماده ۳ ماده ۳ - از یکصد و بیست تومان تا ماخذ دویست تومان یکصد و بیست تومان بساخذ ماده (۲) مازاد آن بیست ابقاء میشود.

**رئیس** - آقایانی که ماده سوم را تصویب میکنند قیام نمایند اغلب قیام نمودند.

**رئیس** - تصویب شد ماده ۴ ماده ۴ - از دویست تومان تا ماخذ سیصد تومان دویست تومان بساخذ ماده (۳) مازاد آن چهار عشر ابقاء میشود.

**رئیس** - رأی میگیریم بماده چهارم آقایانی که ماده چهارم را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - با اکثریت تصویب شد ماده ۵ ماده ۵ - از سیصد تومان تا ماخذ چهار صد تومان سیصد تومان آن بساخذ ماده (۴) مازاد آن سه عشر ابقاء میشود.

**رئیس** - رأی میگیریم بماده پنجم آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد ماده ۶ ماده ۶ - از چهار صد تومان الی تا ماخذ پانصد تومان آن بساخذ ماده (۵) مازاد آن دو عشر ابقاء میشود.

**رئیس** - رأی میگیریم بماده ششم آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند اغلب قیام نمودند.

**رئیس** - تصویب شد ماده هفتم ماده ۷ - از پانصد تومان تا ماخذ یک هزار تومان پانصد تومان آن بساخذ ماده ۶ - مازاد آن یک عشر ابقاء میشود.

**رئیس** - رأی میگیریم بماده هفتم آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) رئیس تصویب شد ماده هشتم.

ماده ۸ - اشخاصیکه نقد و جنس دارند و همچنین اشخاصی که جنس فقط دارند جنس آنها بقرار خرواری ۳ تومان مقرر و بساخذ مواد فوق عمل میشود.

**رئیس** - رأی میگیریم بماده هشتم آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد ماده ۹ ماده ۹ - این مواد شامل حقوق اشخاصی است که حقوق دیگری ندارند فقط جزو بودجه سابق دربار موظف بوده اند اما اشخاصی که در ولایات و رکاب غیر از این حقوق حقوق علیحده دارند باید وزارت مالیه تحقیق نماید در صورتی که حقوق خارج از دربار آنان علاوه از حقوق درباری است آنچه در جزو درباری دارند مقطوع و ضبط میشود و در صورتیکه حقوق خارج آنان کمتر از حقوق درباری باشد آن حقوق خارجی از آنچه در جزو بودجه درباری تصویب میشود کسر گذارده خواهد شد.

**حاج شیخ اسدالله** - این یک مطلبی است که خیلی معمول است در میان ارباب حقوق که بعضی از حقوقشان حواله یک معنی است بعضی حواله محل دیگر شاید بعضی حواله در دو جا سه جا داشته اند حالا اگر مجلس شورای ملی میخواهد این نظرها بکند نظر بخصوص اشخاصی که در بودجه دربار حقوق دارند نباید بکند بنده عقیده ام اینستکه نظر به حقوق در دربار داشته اند نباید بشود یا اینکه این ماده بکلی حذف شود تا اینکه نسبت بتمام ارباب حقوق یکسان باشد بجهت آنکه در بودجه دربار حقوق داشته در جای دیگر هم داشته باید طوری باشد که اگر از حقوق بودجه در باری آن کسر میشود از آن یکی نشود و آندو دلیلی ندارد که اگر بکنند از حقوق که در بودجه دربار منظور شده است کمتر شد از آن مقدار حقوقیکه در محل دیگر منظور شده این باید قطع شود باید بنظر تساوی بتمام ارباب حقوق نظر شود اگر میخواهند ارباب

حقوق بمحلهای مختلفه حقوق نداشته باشند این راجع بیک پیشنهادی استکه از طرف وزارت مالیه بشود و بیاید مجلس و در آن رأی گرفته شود و حالا از موضوع این لایحه بکلی خارج است.

**حاج عز الممالک** - این نظری که آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند مربوط باینجا نیست بجهت اینکه مادر حقوق اشخاصی که در دربار حقوق داشتند نظر میکنیم و مقصود تساوی حقوق کلیه ارباب حقوق نیست در صورتی که بمغز استیم تساوی حقوق کلیه ارباب حقوق را منظور کنیم آنوقت مواد سابقه را هم نمی بایستی بنویسیم و این ماده هم شامل سایر ارباب حقوق نیست اینجا میگوئیم که اگر کسی یکصد و بیست تومان موجب داشت در محل دیگر صد تومان در دربار باو می رسد این صد تومان جزو حقوق درباری بکلی قطع میشود و اگر آن اشخاصیکه در دربار حقوق داشتند مثلا صد تومان در دربار حقوق داشتند در محل دیگر هشتاد تومان آنوقت هر قدر که از این صد تومان در دربار او تصویب شد آن هشتاد تومان از این مقدار کسر خواهد شد و دیگر عیناً در خصوص تساوی حقوق کلیه ارباب حقوق مذاکره کردن بکلی خارج از موضوع است.

**حاج شیخ اسدالله** - چون نسبت به حقوق سایر ارباب حقوق نظری شده و نسبت به حقوق ارباب حقوقیکه در بودجه دربار حقوق داشته اند نظری شده است در کمیسیون بودجه مجلس سابق اینستکه آمده است بمجلس و یک نظر دیگری در اینها شده است حالا اینکه اینرا یک اختصاص میدید و تقریباً یک فرقی میگذارید پیش از اینها و سایر حقوق بنده عقیده ام اینستکه خیر اینطور است و اینها هم جزو دیون عمومیه است و اینها هم مثل سایر حق با باطل یک حقوقی میگرفتنه حالا که ما میخواهیم تسویه بکنیم باید یک نوعی تسویه بکنیم که با سایر ارباب حقوق یک نوع تسویه کرده باشیم آنها را در کمیسیون سابق مجلس یک نظری کردند بعضیها را که صلاح بود باقی گذارند بعضیها را قطع کردند بعضیها را کسر کردند و این را هم که حالا صلاح دانسته اید که تسویه بشود و تسویه میشود در موقع تسویه شدن دیگر اینکه بگوئیم اگر هر یک از اینها در دو محل حقوق داشته باشند یکی را مجلس قطع بکنند اینرا دیگر بنده تصویب و تصدیق نمیکنم و فرق نمیکند میان این ارباب حقوق با سایر ارباب حقوق که در محل های دیگر حقوق دارند اگر آنها را میخواهید یک محل معینی که دارند سایر جاهایش را قطع کنید این ممکن نیست اگر میخواهید همه را یک نظر نگاه کنید و اینکه میفرمائید در سابق نظر شده است بنده عرض میکنم که این در جزو مقطوعات نبوده است و حالا میخواهیم یک رعایتی در حق آنها بکنیم.

**حاج شیخعلی** - این فرمایش آقای حاج شیخ اسدالله هیچ راجع باین موضوع نیست یک موضوعی است بجهت اینکه اگر آن نظری که باید بهم ارباب حقوق کرد یعنی بطور تساوی باشد در این لایحه هم آن نظر تساوی را بکنیم آنوقت یکتفر پیدا میشود چهار تومان حقوق دارد آنوقت باید همه را قطع کنیم که همه تساوی داشته باشند در حقوق پس باین ملاحظه نمیشود که بطور تساوی

باشد و این یک حقوق مصوبه نیست که ما میخواهیم قطع کنیم.

**رئیس** - مذاکرات گویا کافی است رأی میگیریم بماده ۹ آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اکثر قیام نمودند)

**رئیس** - با اکثریت تصویب شد ماده ۱۰ ماده ۱۰ - الحاقیه کمیسیون - حقوق اشخاصی که برضد اساس حکومت ملی قیام و اقدام نموده اند بکلی مقطوع و از این قانون مستثنی است

**ارباب کیخسرو** - بنده تصور میکنم آن ماده که سابق گذشته است کافی است و دیگر این ماده لازم نیست چون در آن ماده که سابق گذشته است هیچ اسم برده نشده است که راجع باین حقوق باشد یا سایر حقوق و برای کلیه حقوق نوشته شده است پس در اینصورت تصور میکنم که همان ماده کافی است.

**مخبر** - اگر چه همان طوری که آقای ارباب فرمودند آن ماده شامل تمام حقوق میشود ولی این ماده مخصوصاً نوشته شده است بجهت اینکه در دربار اشخاصی هستند که در اینصورت حقوق دارند که باید قطع شود در اینصورت اینجا هم باشد گویا ضروری نخواهد داشت.

**رئیس** - گویا مذاکرات کافی باشد رأی می گیریم بماده ۱۰ آقایانیکه تصویب میکنند ماده دهم را قیام نمایند (اکثر قیام نمودند)

**رئیس** - با اکثریت تصویب شد ماده ۱۱ ماده ۱۱ - مبلغ شانزده هزار و دویست و چهل پنج تومان چهار هزار نقد و مقدار شصت و بیست و پنج خروار و شصت و سه من غله و هفتصد و شصت خروار و شصت و پنج من کاه بموجب دو فقره طبع شده و ضمیمه آن شامل چهل و سه قلم کلیتاً مقطوع است.

**مخبر** - پیشنهادی کرده ام چون در صورت مقطوعات چند نفر از قلم افتاده و باید آنها اضافه شود.

**رئیس** - پیشنهاد مخبر قرائت میشود (ببابت ذیل قرائت شد)

فهرمانخان نیر السلطان ۳۶ تومان - سید الملک ۲۰۰ تومان حشمة الملک ۱۰۰ تومان ارشد السلطنه ۵۰۰ تومان منصور السلطنه ۱۰۰ تومان اشجع الملک ۳۰۰ تومان قانع الملک ۳۰۰ تومان.

**محمد هاشم میرزا** - خوب است آقای مخبر توضیح بدهند بعضی از آقایان که مسبوق نیستند مسبوق شوند.

**مخبر** - بعضی توضیحات امروز از طرف بعضی از نمایندگان داده شد که این اشخاصیکه می خواهم حقوقشان قطع شود این اشخاص سردسته های امیر بهادر بودند و باید حقوقشان قطع شود بنده هم قبول کردم اعضای کمیسیون هم قبول خواهند کرد که جزو مقطوعین باشد یکی فهرمانخان است که ۳۶ تومان داشته است و سید الملک دویست تومان حشمة الملک صد تومان ارشد السلطنه ۵۰۰ تومان همانطور که نوشته ام که باید اضافه شود بآن اسامی مقطوعین.

**میرزا اودوخان** - بنا بر اطلاعی که بنده دارم حقوق لطفعلی آن ارشد السلطنه هفتصد و بیست و دو

تومان است نه پانصد تومان بنویسند هفتصد و بیست و دو تومان.

**مخبر** - ممکن است دو قلم باشد بنده یک قلم او را دیده ام هر چه دارند نوشته شود هفتصد و بیست و دو تومان است همان نوشته میشود دیگر آنکه بر حسب اظهار دو نفر از نمایندگان حقوق دو نفر دیگر بیهجه مقطوع شده است باینجهت بنده پیشنهاد میکنم که مواد دیگر رأی گرفته شود تا این ماده را اصلاح کرده پیشنهاد کنم.

**رئیس** - مذاکرات کافی است ماده ۱۲ قرائت میشود تا مخبر اصلاحشان را بدهند (ببابت ذیل قرائت شد).

ماده ۱۲ - الحاقیه کمیسیون - حقوق اداری از این قانون مستثنی و بکلی مقطوع است.

**رئیس** - در ماده ۱۲ مخالفی نیست؟ **حاج شیخ اسدالله** - این ماده بکفایتی ناقص است حقوق اداری تنها نیست باید ضمیمه شود حقوقی که در زمان محمدعلی میرزا اضافه شده است آنها هم مستثنی بشود.

**مخبر** - آن حقوق بکلی مستثنی است و جزو این حقوق و این بودجه ایداً نیامده است این معین است که اگر باشد مستثنی است.

**ارباب کیخسرو** - یک سؤالی داشتم به حقوق اداره نوشته است حقوق اداری از این قانون مستثنی و بکلی مقطوع است بنده معنی اینرا نمیفهمم توضیح بدهند معلوم شود.

**مخبر** - مقصود بعضی سردسته ها بوده است که حقوق داشته اند حقوق خدمتش مثلا سردسته کشیکخانه سیصد تومان حقوق داشته است حقوق خدمتی یادویست تومان موجب داشته حقوق خدمتی بوده است ولی فرمان نداشته است او مقطوع است ولی اشخاصیکه فرمان دارند باقی است و برقرار میشود.

**رئیس** - گویا مذاکرات کافی باشد - آقایانی که ماده ۱۲ را تصویب میکنند قیام نمایند (اکثر قیام نمودند).

**رئیس** - با اکثریت تصویب شد ماده ۱۳ (ببابت ذیل قرائت شد).

ماده ۱۳ - الحاقیه کمیسیون - متوفیات از این حقوق مطابق قانون باید معمول شود.

**رئیس** - مخالفی است؟ **حاج سید ابراهیم** - بنده نمیدانم مراد از این ماده چیست مراد اینستکه بعد از این متوفی میشوند یا اینکه متوفی شده اند اگر متوفی شده اند که موافق قانون متوفیات رفتار میشود محتاج برای ماده نیست اگر مراد اشخاص آنستکه در این دوساله فوت شده اند آنهم مطابق قانون متوفیات عمل میشود و این ماده منافی با آن قانون است اگر مراد اینست که از ۵۰۰ تومان با هزار تومان علاوه است بساخذ ماده ۶ مازاد آن یک عشر الذا میشود یا آنکه بساخذ ماده (۳) ۲۸۰ تومان است مازاد آن چهار عشر التام میشود گر مراد از متوفیات حالا یا به ما است باید قید شود بنده اینرا صحیح نمی دانم

**مخبر** - اولاً آقای حاج سید ابراهیم مثل اینستکه در کمیسیون تشریف نداشتند یا اینکه درست در این اشخاص رسیدگی نکردند بنده عرض میکنم

متوفیات در این بودجه خیلی کم است و هیچ حقوق صد تومان در بین آنها نیست و چون کم است انصاف نبود که مطابق قانون متوفیات عمل شود بجهت اینکه در حقیقت اگر بقانون متوفیات عمل شود هیچ میشود اینست که کسر آن راجع میشود بقانون متوفیات.

**رئیس** - مذاکرات کافی نیست (گفتند کافی است)

**حاج شیخعلی** - بنده پیشنهادی دارم **رئیس** - اصلاح حاج شیخعلی خراسانی قرائت میشود (ببابت ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم ماده ۱۳ اینطور نوشته شود

متوفیات این حقوق بعد از رعایت مواد این قانون موافق قانون متوفیات رفتار شود

**رئیس** - توضیحی دارید **حاج شیخعلی** - بواسطه اینکه بآن ها هیچ داده نشده است و حالام می خواهم حقوقی برای آنها معین کنیم اگر آن اشخاص حیات می داشتند لابد این مواد شامل حال آنها میشد چون آنها حاجت ندارند و از میان رفتند فقط حقوق آنها معین است و فقط همان مواد قانون متوفیات شامل آنها بشود کافی نمی دانم لهذا پیشنهاد کردم که این قانون رعایت شود چون اگر بقانون متوفیات عمل شود چیزی باقی نمی ماند پس یک رعایتی لازم است که در باره آنها بشود یعنی بعد از رعایت آن وقت قانون متوفیات اجرا بشود لهذا بنده پیشنهاد کردم اول این قانون مجرا بشود بعد قانون متوفیات مجری شود

**مخبر** - اینکه آقا فرمودند مخصوصاً هیچ فلسفه ندارد بنده مخصوصاً توضیح دادم که اشخاصی که متوفی شده اند خیلی کم است و حقوقشان هم خیلی کم است خوب بود رجوع می کردند بصورت جزء و ملتفت میشدند در صورتیکه کلیه این حقوق ۲۰ تومان و ۴۰ تومان و ۵۰۰ تومانی است و بیشتر از این نیست و صدشان هم خیلی کم است در اینصورت آن قانون متوفیات را بگوئیم شامل آنها بشود حقیقه سزاوار نیست چون یکجا حقوق آنها را بموجب این قانون کسر میکنیم و یکجا بواسطه قانون متوفیات کسر بکنیم خیلی بی انصافی است

**حاج وکیل الرعایا** - در اینجا آقای مخبر می فرمائید که حقوق متوفیات جزئی است و ۲۶ تومان و ۴۰ تومان یا ۶۰ تومان است ابقاء شود دیگر آنکه فرمودند فلسفه ندارد می خواهم فلسفه او را عرض کنم بنده مخالفم باینکه این قانون باین طور از اینجا بگذرد و بآن اظهاراتی که آقای حاج شیخعلی کردند موافق فلسفه اش را می خواهم عرض کنم قانون باید عمومیت داشته باشد حالا هر چه گذشته است او می تواند یک قانونیتی داشته باشد ولی از یکطرف هم مردم یک تانی یک وسیله معاش برای خودشان فرض می کنند اولاً اسم حقوق روی این گذاشتن غلط است این یک تانی است که با ایشان داده میشود چون اهل این ملک هستند و اهل این خاک و آب هستند دولت یک رعایتی در حق ایشان میکند هیچ مربوط بحقوق نیست از این راه که بخواهیم تصور کنیم چون از مجلس نگذشته است همین قدر از اهمیت رابینا کرده است عیناً اول دفعه است که این بجای آمده است ولی قبل از این

این صورت را بدست هر کس که میدادند میگفت بین مربوط نیست بمجلس میرفت میگفت بین مربوط نیست بعد برار میرفت میگفت بین مربوط نیست هر جا این اشخاص میرفتند اظهار حق میکردند جوابی که بآنها داده میشد این بود که بامربوط نیست و هیچ کس زیر بار نرفت که بآنها چیزی بدهد اینها کسانی هستند که از این بیمه محق یک حقوقی خواهند شد حالا کما آدمیم اینقرض را گرفتیم که از امروز بیمه یکقسمت این را بعهده دولت برگذار کنیم که بآنها بدهد که در بین این اشخاص تقسیم شود برای اینکه از کرسنگی نبرند دلیل دیگری ندارد که قانون متوفیات شامل آن اشخاص نباشد و امروز یکطور دیگری نیت داشته باشد فرض میکنم حقوقی داشته که هزار تومان بوده است امروز باصند تومان میبرند و حال آنکه آنروز این حقوقی برای آنها بنظر میآید و کسی حاضر نمیشد که بآنها حقوق بدهد و تا حال هم ندادند و از برای آنها هم از راه قانونی نوده است و از امروز برای آنها یک حقوقی تصویب میشود و آن حقوق همین است که الان از مجلس میگردد و تا حال چیزی در دست آنها نبوده است که مطالبه بکنند چیزی که از اینجا میگردد همان است باید هر چند حقوقی که از امروز آنها در حق آنها برقرار میشود موافق قانون متوفیات درباره آنها معمول شود اگر بخواهیم بگوئیم این اجراء نشود این ضروری است که کرده ایم برای اینکه نظر آقایان متوجه نشود که چیز کمی است و باید در حق آنها رعایتی شود بنده عرض میکنم فرضاً کم هم باشد باید استثناء نکرد در صورتیکه تا شصت تومان هم ایفا شده است باز هم اخیراً عرض میکنم که باید مطابق قانون متوفیات رفتار شود .

**رئیس** - فلسفه مطولی گفتید - رأی می گیریم باصلاح حاج شیخعلی آقایانیکه تصویب می کنند قیام نمایند .

(قلبی قیام نمودند) .

**رئیس** - قابل توجه نشد - اصلاحی از طرف حاجی سید ابراهیم رسیده است فرائت میشود (ببابت ذیل قرائت شد) .

ماده ۱۳ - بنده پیشنهاد میکنم که در باره متوفیات اشخاص درباری موافق همین قانون رفتار میشود .

**رئیس** - توضیحی دارید .

**حاج سید ابراهیم** - مقصود بنده اینست که از این بیمه البته مطابق قانون متوفیات رفتار میشود ولی اشخاصی هستند که در این سه سال فوت کرده اند هیچ وجه ندارد که برای آنها یک ترتیب دیگری معین کنیم اگر کمتر از شصت تومان است ایفا میشود و اگر زیاده است مثل سایر مواد و هیچ وجه ندارد که بقانون متوفیات نباشد .

**رئیس** - کمیسیون چه میگوید - مخیر قبول نمیکند .

**رئیس** - رأی میگیریم باصلاح آقای حاج سید ابراهیم آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (قلبی قیام نمودند) .

**رئیس** - تصویب نشد رأی می گیریم بسلامه (مشکوک شد) .

**رئیس** - مشکوک شد دوباره رأی میگیریم آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند . (اکثر قیام نمودند) .

**رئیس** - با کثرت تصویب شد ماده (۱۱) الحاقی مجدداً بعد از اصلاح قرائت میشود (ببابت ذیل قرائت شد) .

ماده (۱۱) مبلغ هجده هزار و هفتصد و هشتاد و پنج تومان درقران تقدو مقدار شصت و بیست و پنج رور شصت و سه من غله و سید و شصت خروار شصت و پنج من گاه بوجوب در فرود طبع شده و آخر ضمیمه آن شامل ۵۰ قلم مقطوع است قهرمان خان نیرالسلطان ۳۶ تومان - سید الملك دوست تومان - حشمت المالك يكصد تومان - ارشد السلطنه هفتصد و بیست و دو تومان پنجقران - منصور السلطنه يكصد تومان - اشجع الملك سبصد تومان فاتح الملك سبصد تومان

**رئیس** - رأی میگیریم در قابل توجه بودن پیشنهاد آقای قمی آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (قلبی قیام نمودند) .

**رئیس** - قابل توجه نشد - مذاکرات در کلیات است در کلیات کسی مخالف است .

**آقای محمد** - مخالفت بنده این بود که فقط حقوقات نوشته است در صورتیکه نوشته شود حقوق کافی است دیگر آنکه آنها که لبتشان نوشته شده استشان نوشته شود بهتر است .

**رئیس** - این را در همان ماده خوب بود میفرمودید .

**محمد هاشم میرزا** - تکلیف هزار تومانی معلوم نشد خوب است مخیر توضیح بدهد که از هزار تومان اگر بالاتر باشد چه خواهد شد .

**مخیر** - اولادگان میکنند تا باصند تومان زیادتر میباشد ثانیاً اگر هزار تومانی داشته باشد باصند تومانش بترتیب مواد گذشته و بعد از باصند تومان باصند تومانش بکریع ایفاء میشود اولادگان میکنند که بیشتر نیست و ثانیاً اگر داشته باشد پیشنهاد کتبی بقیه اش مقطوع شود .

**متمین السلطنه** - در اغلب مواد این قانون که گذشته موافق بودم لیکن در بعضی از مواد که مخالف بودم لازم است که مخالفت خودم را در ضمن کلیات عرض برسانم اولاً آنرا که کمیونید حقوق اشخاصی که بر ضد حکومت ملی قیام اقدام کرده اند بنده عرض میکنم فرق است مابین اشخاصی که بر ضد دولت مشروطه قیام و اقدام کرده اند یا اشخاصیکه دوره استبداد .

**رئیس** - مذاکرات در کلیات است راجع به مواد نیست اگر در کلیات فرمایشی دارید بفرمائید .

**حاج شیخ الرئیس** - بنده چون مناقشه معنوی کردم قابل توجه نماینده گان محترم نشد در ترجمه لفظ حقوقات بهتر است دلیل اثبات خود اینست که بیوات می نویسند بر بیوات جمع بسته میشود .

**رئیس** - اینهم راجع بکلیات نیست - رأی میگیریم بر این لایحه که مشتمل بر ۱۳ ماده است کسانی که تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) .

**رئیس** - با کثرت تصویب شد (جمعی اظهار کردند باید باورقه رأی گرفته شود) .

**رئیس** - این لایحه برای تصویب مغایر نیست که لازم باشد باورقه رأی بگیریم قانون منع احتکار - شور اول این قانون بعمل آمده است طرح قانونی بوده از طرف آقای ادیب - النجار رفت بکمیسیون و آمد و شور اول آن بعمل آمده است کمیسیون را بپورتی داده است و آنرا در آنجا که آقای ادیب النجار پیشنهاد کرده اند ملاحظه میفرمائید تغییر داده اند باید رأی بگیریم که داخل در شور دوم بشویم یا نشویم آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) .

**رئیس** - با کثرت تصویب شد ماده اول (ببابت ذیل قرائت شد) .

ماده اول - صوم کسانی که جنس انبار میکنند اعم از مالکین و مستاجرین و اشخاصی که جنس خریداری کرده اند باید صورتی که دارای مواد ذیل باشد در موقع انبار کردن جنس در ظرف یکماه با اداره حکومت و بلدیه بدهند و نوشته دراینباب دریافت دارند بدون اینکه دیناری از اینباب بر آنها تحویل شود اولاً مقدار جنس بدون کسر ثانیاً مقداری که از آن برای مصارف شخصی یا پدر و مساعده یا مالیات لازم دارند ثالثاً محل انبار .

**رئیس** - آقای ادیب النجار مخالفید .

**ادیب النجار** - این قانون را که بنده در ۲۲ ربیع الثانی که تقریباً ۲۰ ماه قبل است تقدیم کرده ام مشغله غله با بندرچه سخت نبوده و این سال ناخوش را با بندرچه در نظر نداشتیم اگر چه بدرجه سال بدو میدیدند ولی نه باین شکل امروزه لهذا چون محظورات و صعوبات ارزاق مخصوصاً نان و گندم و جو خیلی بیش از آنستکه تصور کرده بودم با اینجهت آن طرح قانونی خودم را کم میدانم و بعد هم از کمیسیون مبتکران رجوع شد بمجلس و از مجلس هم ارجاع شد بکمیسیون داخله این مواد را نوشتند که حالا شروع شده است بخواندن و این واقعا اجازه احتکار گندم را میدهد اگر بخوانند خاطر مبارک حضرتعالی مسیوق خواهد شد گمان میکنم که آقایان نمایندگان محترم رأی بدهند چون اینمواد مثل اینست که اجازه بدهد مردم گندم را احتکار بکنند و جهت هم تصور نظر آقایان نبوده جهتش اینست بود که اینقدرها خود را مبتلا به جنس نمیدانستند و جنس هم با بندرچه سخت نبود حالا بنده یک پیشنهادی کرده ام و تقدیم میکنم که از اینقرار رفتار شود -

**حاج سید ابراهیم** - اینمواد وقتی که بکمیسیون داخله آمد چندین جلسه وزیر داخله آمدند و ملاحظه کردند بنده ملاحظه این ترتیب را معین کردند و کمیسیون هم تصویب کردند اولاً یک ترتیبی را که سهل الاجرا باشد اتخاذ کردند همین ترتیبی است که راپورتش داده شد است و یکی هم آنکه از طرف دیگر یک سوء اثری نداشته باشد یعنی سخت نباشد برای مردم البته اینکه میفرمایند اجازه احتکار است مسلم است هر کس مسلط بر مال خودش است می تواند انبار کند کسی نمی تواند مزاحم حقوق دیگری شود و ضرر حقوق دیگران برساند مثلا در سیستان اگر کسی احتکاری بکنند ضرر ندارد ولی در آن ایامی که مردم محتاج باجناس میشوند لازم است اینستکه مانع شوند که احتکار نکنند و بهتر حاجت بیشتر از حاجت خود نگاه ندارند

بترتیبی که در این قانون نوشته است و چاره آن اینست که اول اطلاع بدهند بصاحبان جنس در وقتی که محتاج الیه عمومی است آن وقت حکومت بگوید که این محتاج الیه عمومی است و بفرستند بیابرد بخرد و رفع حاجت مردم بشود والا مایکوییم هیچکس حق ندارد مطلقاً بفروشد و بخرد و مزاحم اشخاص انباردار بشوند این بکلی خارج از هر قانونی است همه کس می تواند انبار کند همه کس می تواند تجارت کند بکند خرید و فروش غله آزاد است مادامی که مضر بحال مملکت نباشد و این ترتیبی که در این راپورت نوشته شده است هیچ عیبی ندارد بجهت اینکه حکومتی که متصدی امر احتکار و نان مملکتی است باید از وضع نان و جنس خبر داشته باشد ما چون ترتیب زراعتمان مرتب نیست و یک اداره فلاحتی نداریم که وزارت داخله صورتی بخواهیم لذا این ترتیبی که از طرف کمیسیون راپورت داده شده است خوب است نوشته است هر کس می خواهد جنس خود را انبار کند باید مقدار آن جنس را بوزارت داخله صورت بدهد در هر حال این ماده خیلی صحیح است و ضرری بهم ندارد و هر کدام از آقایان که مخالف باشند با این ماده بنده حاضر توضیح بدهم

**افتخار الواعظین** - اینجا اولاً باید معلوم شود حقیقه اشخاصی که مخالفت دارد مخالفشان با چیست چون این یک حکم شرعی است و یک قانون اسلامی است شارع مقدس حکم فرموده است که هر کس ارزاق را در وقت ضرورت و لزوم مردم احتکار نکند و احتکار وقتی صدق میکند که کسی گندم و جو و چیزهاییکه معین است آن ها را ضبط کرده باشند و یک موقعی باشد که محل احتیاج عامه باشد در صورت احتیاج عامه احتکار آنجا صدق می کند پس در صورتیکه احتیاج عامه باشد شارع مقدس حکم فرموده است که محتکر را ملزم کنند که در یک همچو خود را بفروشد و احدی حق ندارد که در یک همچو موقعی که احتیاج عامه است ارزاق و قوت مسلمانان را بردارد و ضبط بکند اینجا که بنده مخالفت میکنم مخالفتم با عبارت اینست در شور اول هم گفته شد چون اینجا نوشته شده است که باید با اطلاع حکومت و بلدیه باشد یعنی صاحبان جنس بحکومت و ادار بلدیه اطلاع بدهند در ضمن شور اول گفته شد که غالب قراء و قضات دور مثلا جاهائیکه خاکم نشین است یا اداره بلدیه است شاید ۱۵ فرسخ و ده فرسخ از آن قریه تا شهر و آن معنی که حکومت نشین یا اداره بلدیه است فاصله است و اینجهت وقتی که بطریق عمومی میگوئیم یعنی عموم اشخاصی که جنس انبار میکنند باید بحکومت یا اداره بلدیه اطلاع بدهند باید در نظر بیآوریم آن اشخاصی را که ده فرسخ یا نازده فرسخ فاصله بینشان واقع است پس اینجا لازم است اسباب سهولت امر را فراهم بکنیم تا اینکه یک لفظ مباشر محل اضافه شود برای اینکه مانع از اینست که در آن محل بدانیم چه اشخاصی دارای گندم میباشد و دارای چقدر گندم و جنس هستند که در موقع لزوم آنها را بتواند بحکومت محل ملزم بکند فروش پس این کافی خواهد بود که فقط حکومت بفره و قضات با اطلاع بدهد و مباشرین بحال خودشان بگویند و صورت جنس را بفرستند برای حکومت و آن بیچاره رهبت مجبور نباشد از

ببست فرسخ راه باید بشهر بحکومت یا اداره بلدیه اطلاع بدهد برای اینکه میخواهد بیست خروار گندم انبار نماید مباشر که باشد فوری اطلاع میدهد همانقدر که اطلاع داد مباشر محل کافی خواهد بود و مقصود ما هم بعمل آمده است و بنده لفظ مباشر را لازم میدانم و پیشنهادی هم کرده ام که يك لفظ مباشر محل هم زیاد شود .

**حاج شیخ اسماعیل** - بنده در خصوص منع احتکار چیزیکه شارع مقدس حرام کرده است هیچ نمیتوان مذاکره کرد یا مخالفت کرد اما احتکار را باید نهیید که چه چیز است .

**رئیس** - سرکار موافق هستید یا مخالف .

**حاج شیخ اسماعیل** - موافقم معنی احتکار اینست چنانچه گفته شد که آن جنس کردن ارزاق است در موقع حاجت مردم اما دیگر شارع مقدس منع از خرید و فروش اجناس نکرده است فقط مادر مملکتان چیزیکه داریم معین يك مشت رعیت بیچاره است که حیوانات بسته بآنت و معین يك مشت زارع فقیر و بیچاره بدبخت است که حاجات بنمملکت بسته بوجود ایشان است بجهت اینکه در مملکت ما که صناعت نیست تجارت که نیست يك مشت رعیت است باید باین بیچارهها بگنوج رفتار کنیم که اسباب زحمت فراهم نیآوریم و برای آنها يك چیز سختی نباشد و هر روز بعنوان مختلفه در ضمن قانون گناری باسم منع احتکار با حراذ نهی فوق العاده آن بیچارهها را بزحمت بینه ازیم میگویند همین اندازه که اینجا نوشته شده است خیلی خوب است یعنی همانقدر که رعیت گندم دارد برای خوراك خودش و رزق خانوادگی اهل و عیالش است بیائیم مجبورش کنیم که او را بفروشد اینرا که نمیشود گفت محل حاجت عامه است بجهت اینکه خودش لازم دارد و میگویند برود اطلاع بحکومت بدهد چطور برود اطلاع بحکومت بدهد حالا اگر خیلی اصرار دارند که باید اینطور باشد همانطوریکه آقای افتخار الواعظین فرمودند يك لفظ مباشر اضافه شود و یکی هم اینکه هیچوقت گندم را از تجارت منع نکرده اند پس ما نمیتوانیم که يك قانونی بگذاریم برای منع از تجارت و جنس گیری از تجارت گندم هم نمیتوانیم بکنیم مثلا در همین طهران اگر در موقع لزوم گندم در انبار انباردار نباشد و گندم را در انبار نگاه ندارند و با آنکه حمل گندم بطهران نشود مردم میگویند چون کسی دیگر حمل گندم بطهران نمیکند باید خرید و فروش نشود و در موقع لزوم و حاجت حکومت یا اداره بلدیه یاو میگویند که حالا وقت حاجت است حالا احتکار است و حرام است باید بفروشی بنده که هیچ اینرا نمیفهمم

**حاج شیخعلی مخیر** - چون این قانون مدتی است در مجلس مطرح نشده است مثل اینکه خود بنده هم سواد این را کم کرده ام و همراه ندارم شاید آقایانهم همراه نداشته باشند و چون در جزء آخر دستور هم بوده است لذا همراه نیآورده باشند بنده خواهش میکنم که تمام مواد خوانده شود اگر نواقصی داشته باشد در بعضی از موادش ممکن است پیشنهاد کنند و این که فرمودند که اجازه احتکار است عرض می کنم تعیین محکمرین است نه اجازه احتکار و بنده خواهش میکنم که همه

ببست فرسخ راه باید بشهر بحکومت یا اداره بلدیه اطلاع بدهد برای اینکه میخواهد بیست خروار گندم انبار نماید مباشر که باشد فوری اطلاع میدهد همانقدر که اطلاع داد مباشر محل کافی خواهد بود و مقصود ما هم بعمل آمده است و بنده لفظ مباشر را لازم میدانم و پیشنهادی هم کرده ام که يك لفظ مباشر محل هم زیاد شود .

**حاج شیخ اسماعیل** - بنده در خصوص منع احتکار چیزیکه شارع مقدس حرام کرده است هیچ نمیتوان مذاکره کرد یا مخالفت کرد اما احتکار را باید نهیید که چه چیز است .

**رئیس** - سرکار موافق هستید یا مخالف .

**حاج شیخ اسماعیل** - موافقم معنی احتکار اینست چنانچه گفته شد که آن جنس کردن ارزاق است در موقع حاجت مردم اما دیگر شارع مقدس منع از خرید و فروش اجناس نکرده است فقط مادر مملکتان چیزیکه داریم معین يك مشت رعیت بیچاره است که حیوانات بسته بآنت و معین يك مشت زارع فقیر و بیچاره بدبخت است که حاجات بنمملکت بسته بوجود ایشان است بجهت اینکه در مملکت ما که صناعت نیست تجارت که نیست يك مشت رعیت است باید باین بیچارهها بگنوج رفتار کنیم که اسباب زحمت فراهم نیآوریم و برای آنها يك چیز سختی نباشد و هر روز بعنوان مختلفه در ضمن قانون گناری باسم منع احتکار با حراذ نهی فوق العاده آن بیچارهها را بزحمت بینه ازیم میگویند همین اندازه که اینجا نوشته شده است خیلی خوب است یعنی همانقدر که رعیت گندم دارد برای خوراك خودش و رزق خانوادگی اهل و عیالش است بیائیم مجبورش کنیم که او را بفروشد اینرا که نمیشود گفت محل حاجت عامه است بجهت اینکه خودش لازم دارد و میگویند برود اطلاع بحکومت بدهد چطور برود اطلاع بحکومت بدهد حالا اگر خیلی اصرار دارند که باید اینطور باشد همانطوریکه آقای افتخار الواعظین فرمودند يك لفظ مباشر اضافه شود و یکی هم اینکه هیچوقت گندم را از تجارت منع نکرده اند پس ما نمیتوانیم که يك قانونی بگذاریم برای منع از تجارت و جنس گیری از تجارت گندم هم نمیتوانیم بکنیم مثلا در همین طهران اگر در موقع لزوم گندم در انبار انباردار نباشد و گندم را در انبار نگاه ندارند و با آنکه حمل گندم بطهران نشود مردم میگویند چون کسی دیگر حمل گندم بطهران نمیکند باید خرید و فروش نشود و در موقع لزوم و حاجت حکومت یا اداره بلدیه یاو میگویند که حالا وقت حاجت است حالا احتکار است و حرام است باید بفروشی بنده که هیچ اینرا نمیفهمم

**حاج شیخعلی مخیر** - چون این قانون مدتی است در مجلس مطرح نشده است مثل اینکه خود بنده هم سواد این را کم کرده ام و همراه ندارم شاید آقایانهم همراه نداشته باشند و چون در جزء آخر دستور هم بوده است لذا همراه نیآورده باشند بنده خواهش میکنم که تمام مواد خوانده شود اگر نواقصی داشته باشد در بعضی از موادش ممکن است پیشنهاد کنند و این که فرمودند که اجازه احتکار است عرض می کنم تعیین محکمرین است نه اجازه احتکار و بنده خواهش میکنم که همه